

نویسنده: دکتر ابرج توتونچیان

پول در اقتصاد اسلامی

مقدمه:

پول و نقش آن در یک جامعه‌ی اسلامی است. این قانون بدون اغراق طرز تفکر مربوط به سیستم بانکداری متعارف را سخت تحت تأثیر قرار داده است. این مقاله در مورد مزایا و یا وجوه افتراق این قانون (و در نتیجه سیستم مربوط به آن) با قوانین بانکداری ربوی (و سیستم مربوط به آن) بحث نمی‌کند، بلکه آنچه که مورد بحث است نقش پول در جامعه‌ی اسلامی است که اقتصاد آن براساس موازین اسلامی تدوین شده و به مورد اجرا گذاشته شده است.

آنچه مسلم است این قانون با تمام ویژگیهای خاص خود ادعایی را که به موجب آن سیستم بانکداری ربوی تنها شکل بانکداری موفق در دنیاست، مورد تردید قرار داده و این خود به تنهایی ضربه‌ای بزرگ به سیستم اقتصاد سرمایه‌داری به حساب می‌آید. این مقاله همچنین در مورد مسائل اجرایی احتمالی این قانون بحث نمی‌کند ولی

تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا (مصوب ۱۳۶۲/۶/۸) و اعلام آن به صندوق بین‌المللی پول موج تازه‌ای از بحث در زمینه‌ی سیستم بانکداری اسلامی در میان اقتصاددانان برجسته‌ی دنیا را به وجود آورد. مباحث مربوط به این موضوع، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته‌ی نخست به چگونگی عملکرد سیستم بانکداری بدون ربا مربوط می‌شود و در مقالاتی که تهیه شده مباحثی از جمله مدل‌سازی برای هر یک از عقود اسلامی پیش‌بینی شده در این قانون تعیین حدود بهینه و ثبات سیستم و نظایر آن مورد بررسی قرار گرفته که تعیین‌کننده‌ی مباحث مربوط به سیاستهای پولی است.

دسته‌ی دوم، مباحثی را شامل می‌شود که در ذهن واضعان قانون نسبت به ارکان تشکیل‌دهنده‌ی این سیستم بوده است.

مهمترین بحث از مقولات نوع دوم، مربوط به

تبعاتی است که از آن جمله می‌توان بحث مربوط به هزینه‌ی فرصت سرمایه در اقتصاد اسلامی را مطرح کرد.^۱

سیطره‌ی اقتصاد سرمایه‌داری بر سیستم‌های اقتصادی جهان و سرعت فوق‌العاده‌ی تحقیقات گسترده‌ای که در این کشورها در کلیه‌ی مسائل اقتصادی صورت گرفته مجال تفکر و تعمق را نه تنها از دانشجوی رشته‌ی اقتصاد بلکه از استاد این رشته نیز سلب کرده است. با اعتراف به این واقعیت که بسیاری از اقتصاددانان غربی طی سالهای متعددی با تحمل رنج ناشی از تفکر و ابداع نظریه‌های اقتصادی جدید و نیز تعمق در آنچه به ایشان به ارث رسیده بود دستاوردهای گرانبهایی در اختیار ما قرار داده‌اند. بی‌اعتنایی به آنها از یک سو، کفران نعمت و قبول در بست تمام نظریات از پیش تدوین شده از سوی دیگر بیگانگی از خویشتن خویش و فرهنگ اسلامی است که مورد اخیر نیز صحیح به نظر نمی‌آید. بنابراین نکته‌ی مهم را باید میزان استفاده از این دستاوردها بدانیم و در عین حال، آگاه باشیم که تا چه درجه‌ای می‌توانیم پیشروی کنیم؟ این موضوع (به دور از هرگونه سوء تفاهم) انسان را به یاد قانون سی (SAY'S LAW) می‌اندازد که تا قبل از جان-مینارد کینز برای زمانی بیش از یک قرن بر تفکر اقتصادی متخصصین حکومت می‌کرد، بطوری که قبول این قانون، اقتصاددان را از غیر اقتصاددان جدا می‌کرد و کسی را یارای مخالفت با آن نبود. به این معنی که باید همه می‌پذیرفتند که اقتصاد یک

تذکر این نکته را ضروری می‌داند که هرگونه اظهار نظر منصفانه نسبت به درجه‌ی موفقیت این سیستم باید با توجه به شرایط سیاسی-اجتماعی مربوط به زمان اجرای قانون (یعنی اول فروردین ۱۳۶۳) تاکنون صورت گیرد. ضمناً در این مقاله سعی شده تا در پرتو این قانون، وظایف پول در این سیستم مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که در کلیه‌ی کشورهای جهان دو نقش اساسی پول (یعنی وسیله‌ی مبادله بودن و معیار سنجش ارزشهای اقتصادی قرار گرفتن) به صورت دو نقش جهانی و غیرقابل تردید در آمده است، بنابراین از بحث گسترده و مفصل در این دو مورد صرف نظر شده است. ولی آنچه هدف اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد وظیفه‌ای است که اقتصاددانان غربی برای پول قایلند و آن ذخیره‌ی ارزش بودن آن است.

درواقع چگونگی نگرش به این موضوع را می‌توان با طرح پرسش زیر روشن ساخت:

— آیا می‌توان تصور کرد علی‌رغم تفاوت‌های اصولی که بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری در اقتصاد سرمایه‌داری وجود دارد وظایف پول بدون تغییر باقی بماند؟

واضح است که باید تفاوتی در وظیفه‌ی پول در این دو نظام وجود داشته باشد. این تفاوت فقط در سومین وظیفه‌ی پول یعنی ذخیره‌ی ارزش بودن متجلی می‌شود. لازم به تذکر است که این تفاوت، یک تفاوت صوری نیست بلکه تفاوتی جوهری و اصیل است و به همین مناسبت دارای

۱. به مقاله نویسنده در مجله تحقیقات اقتصادی شماره ۴۰ سال ۱۳۶۷ مراجعه نمایید.

مسائل تئوریک و ویژه‌ای است و تبعاتی نیز دارد. از اینکه به عنوان مثال دو نفر از استادان مسلم علم اقتصاد (برانفربرنر و ساموئلسون) از آن انتقاد نموده‌اند دلیلی نیست که گفته‌ی این دو هم بنا به گفته‌ی پروفیسور گالبرایت^۲ به صورت یک اصل مسلم حیات (RELIABLE AXIOM OF LIFE) در آید و یا اینکه چون بنا به اعتقاد دکتر نجات‌الله صدیقی «پول در یک اقتصاد پولی نباید نقش خود را به عنوان ذخیره‌ی ارزش از دست بدهد»^۵، موضوع را تمام شده تلقی کنیم.

مقاله‌ی حاضر نتیجه‌ی تعمقی است که بر روی موضوع پول و بویژه سومین وظیفه‌ی آن یعنی ذخیره‌ی ارزش بودن در اقتصاد اسلامی صورت گرفته است. به عبارت دیگر اگر خواسته باشیم بحث را از دید اقتصاد خرد و کلان تقسیم‌بندی کنیم، در سطح اقتصاد خرد، نقش پول و خواص و مشخصات آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در سطح اقتصاد کلان به منظور مطالعات تجربی به تعریفی به منظور جمع کردن (AGGREGATION) نیاز داریم، می‌توان این مقاله را در نوع اول (اقتصاد خرد) جای داد. البته آنجا که ضرورت ایجاد کند از بحث در مورد اقتصاد کلان غافل نخواهیم بود.

این مقاله در حقیقت ادامه‌ی بحثی است که در مقاله‌ی اخیرالذکر اینجانب بخصوص صفحات ۱۰-۸ در زیربخش سوم از قسمت اول بطور

جامعه تعادل خود را در اشتغال کامل به دست می‌آورد. سیطره‌ی این قانون به حدی بود که تا پایان دهه‌ی ۱۹۳۰ اگر یکی از کاندیداهای درجه‌ی دکترای (PH.D) اقتصاد در دانشگاه‌های بزرگ آمریکا به طور جدی از کاستی قدرت خرید پول به عنوان علت رکود (که خود ممکن بود نتیجه‌ی تنزل دستمزد تلقی شود) صحبت می‌کرد امکان توفیق در امتحانات تخصصی را نمی‌یافت^۲ که سرانجام، کینز با نظریه‌ی اقتصادی خاص خود به این تفکر خاتمه داد به گونه‌ای که قانون سی، دیگر به عنوان وسیله‌ی اطمینان بخش حیات علمی متخصصان اقتصاد مطرح نبود.

به اعتقاد اینجانب خداوند تبارک و تعالی قدرت کشف قوانین مادی را در وجود انسانها به ودیعه نهاده است، ولی برای ساختن جامعه‌ای سالم ناگزیر از استفاده‌ی معیارها و ضوابط حق تعالی هستیم و بشر بدون استعانت از این معیارها قادر به کشف قوانین مربوط به آن نیست. تحریم ربا از بارزترین مسائلی است که در تئوری پولی در اقتصاد اسلامی مطرح شده و نه تنها این موضوع بلکه موضوعات مربوط به آن مانند پول و سرمایه بدون تردید از جمله مسائل ایدئولوژیکی و مکتبی است که اقتصاددانان ناگزیر از ورود به مباحث آن هستند. موضوع تحریم ربا مطلبی نیست که بسادگی بتوان از آن گذشت^۳، زیرا خود دارای

۲. صفحه ۲۶۶ کتاب گالبرایت (۱۹۷۵).

۳. به صفحات ۵ و ۷ مقاله‌ی اخیرالذکر مراجعه شود.

۴. صفحه ۲۶۷ سال (۱۹۷۵).

۵. محمد عارف صفحه ۴۷ سال (۱۹۸۴).

گذرا به آن اشاره شده است. ناگفته نماند که شکل اولیه‌ی این مقاله تحت عنوان «نگاهی به پول و وظایف آن در اقتصاد اسلامی» در مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی در شهریورماه ۱۳۶۷ در مشهد مقدس ارائه شد.

۹- پول در اقتصاد سرمایه‌داری

۱-۱. وجوه نظری و عملی پولی - بحث اصلی در این قسمت صرفاً مروری است برتحلیلی که اقتصاددانان طی سالهای متمادی بر روی پول انجام داده‌اند. بدیهی است چون هدف اصلی این مقاله چیزی غیر از سیر تحول پول در مقالات و کتب اقتصاددانان است، لذا این مرور سریع صورت خواهد گرفت.^۶

نمی‌توان تصور کرد که از پول صحبت شود ولی تعریفی از آن به عمل نیاید. اصولاً در هر امری که نیاز به تعریف از شیئی باشد دوروش عمده وجود دارد:

اول آنکه اشیای موجود عالم را با نامی اختیاری بنامیم و دوم آنکه ابتدا از مفاهیمی بحث کنیم و سپس اشیایی را در دنیای خارج به دست آوریم که بیشترین تناسب و نزدیکی را با این مفاهیم داشته باشند (به اصطلاح مصادیق آنها را بیابیم). در حالت اول می‌توان از خصوصیات اقتصادی اشیای صحبت کرد و سپس از میان ابزارهای مالی (FINANCIAL) آنهایی را که مناسبتر هستند انتخاب نمود. به عبارت دیگر آنچه

از متد نخست به دست می‌آید تعریف نهادی (INSTITUTIONAL) از پول و آنچه از متد دوم حاصل می‌شود تعریف وظیفه‌ای (FUNCTIONAL) از آن است.

در دوران قبل از کینز، هم می‌توان از تعریف نهادی و هم از تعریف وظیفه‌ای پول نشانی به دست آورد. به عنوان مثال، ایروینگ فیشر^۷ با استفاده از تعریف نهادی برای پول می‌نویسد:

«هرگونه حق مالکیتی را که مورد قبول عموم در مبادلات قرار گیرد، می‌توان پول نامید».

او در اینجا از نهاد «مالکیت» صحبت می‌کند. در روش دوم که تعریف وظیفه‌ای از پول می‌شود معمولاً سه وظیفه برای آن قایل می‌شوند که عبارتند از:

۱- وسیله‌ی مبادله بودن.

۲- معیار سنجش ارزشهای اقتصادی (یا واحد محاسباتی) بودن.

۳- ذخیره‌ی ارزش بودن.

گرچه بحث در هر کدام از وظایف موضوع اصلی این مقاله نیست ولی بی‌مناسبت نیست نکاتی را در هریک از این زمینه‌ها متذکر شویم.

۲-۱. وسیله‌ی مبادله بودن - نه تنها دولت به مفهوم سیاسی خاص خود و به عنوان ماشین پول آفرین وسایل براثت ذمه را از نظر قانونی تعیین می‌کند، بلکه بخش خصوصی نیز سازمان پولی خاص خود را به وجود می‌آورد. از آنجا که بازارها غالباً از نظر جغرافیایی جدا

۶. مطالب این زیربخش بطور عمده از صفحات ۳۴-۸ کتاب دی. فیشر (۱۹۷۸) اقتباس شده است.

۷. صفحه ۵ سال (۱۹۶۳).

مبادله، باعث کاهش هزینه‌ی معاملات (در مقایسه با سیستم پایاپای به شکلی که در پاورقی خواهد آمد مراجعه شود) می‌شود روند تبدیل حقوق مالکیت مکتسبه به پول به جای تحویل کالاها و واسطه‌ای، خود موجب کاهش بیشتر هزینه‌ی معاملات می‌گردد. قابل توجه است بدانیم در صورتی که بتوان معیاری برای وسیله‌ی پرداخت به جای وسیله‌ی مبادله برگزید، می‌توان اعتبارات تجاری را در تعریف پول گنجانید. این موضوع از نظر ایروینگ فیشر نیز دور نبوده، زیرا او مبادله‌ی اسناد مالکیت را در تعریف پول مهم می‌دانست. برخی از اقتصاددانان مانند گودهارت^۸ معتقد است که نیاز به پول به عنوان وسیله‌ی پرداخت ناشی از وجود نااطمینانی (UNCERTAINTY) است، بطوری که به اعتقاد او وظیفه‌ی اصلی پول که به عنوان وسیله‌ی تخصصی پرداخت تعریف می‌شود این است که با مشکلات ناشی از مبادله در شرایط نامطمئن روبرو شده و آنها را برطرف سازد. از این جهت وظیفه‌ی اصلی پول (که به صورت وسیله‌ی تخصصی پرداخت تعریف شده است) رویارویی و برطرف کردن مسائل مبادله‌ای در شرایط نامطمئن است. جالب توجه است که بدانیم وی در این موضوع از این فراتر رفته و اظهار می‌دارد که در جهان نامطمئن نه اطلاعات در آن حد وجود دارد و نه مکانیزم بازار در مدل و الراس به صورتی است که اجازه‌ی تحصیل تعادل را بدهد.

از یکدیگرند و خریداران به طور غیرمستقیم با فروشندگان تماس می‌گیرند، در نتیجه فاصله‌ای بین قیمت اعلام شده با قیمتی که در آن کالا مبادله می‌شود (ASK PRICE) ایجاد می‌گردد که این خود، وسایل به وجود آمدن صنعت غیردولتی پولسازی را فراهم می‌آورد. نمونه‌هایی که می‌توان در اینجا مثال زد، اسکناسهای بانکهای خصوصی از یک طرف و ابزارهای سازمانی از طرف دیگر است که می‌توان بازارهای منطقه‌ای و یا بازارهای کالاهای خاص را از آن جمله دانست. پیشرفت تکنولوژی سازمانی بازار نیز از جمله اموری است که در ایجاد وسایل جدید مبادله، مؤثر است. معرفی کالاهای خاص (با ویژگیهایی از قبیل متمایز بودن و قابلیت حمل داشتن) نیز به مجموعه‌ی وسایل پرداخت در اقتصاد جامعه می‌افزاید. برخی از سازمانهای تجاری مشهور با قبول سفته یا حواله‌ی کالاهای بخصوص، وسایل مبادله‌ی خاصی به مجموعه‌ی وسایل موجود می‌افزایند. به هر صورت آنان که به این ترتیب پول انتشار می‌دهند، مانند بانکداران مدرن که از طریق واسطه‌گری کسب درآمد می‌کنند یعنی از فاصله‌ی بین دو نرخ بهره (نرخ بهره‌ی حاکم در بازار کالا و نرخ بهره در بازار وام) استفاده می‌نمایند. باید توجه داشت در حالی که به وجود آوردن وسیله‌ی

نکته‌ی قابل ملاحظه‌ای که در کارهای تحقیقاتی برونر-ملترز به آن پرداخته شده، این است که مسلماً زمانی که از نااطمینانی نسبت به سطح عمومی قیمت‌ها بحث می‌شود، در آن پیش-فرض پول وجود دارد. زیرا در غیر این صورت سطح قیمتی وجود نخواهد داشت که نسبت به آن نامطمئن باشیم. با عنایت به اینکه وجود پول باعث دستیابی به اطلاعاتی برای معامله‌کنندگان می‌شود آنها اشاره دارند به اینکه آنچه که افراد و گروه‌های اجتماعی متفاوت را به یافتن راه‌های جانشینی معاملات پایا پای ترغیب می‌کند، وجود نااطمینانی غیرقابل تشخیص نیست، بلکه توزیع غیرمتمقارن اطلاعات است. از این روست که به تعریف واحد محاسباتی پول می‌رسیم که بیانگر کاهش ماتریس قیمت‌هاست.^۹ اصولاً منافع حاصل از به کارگیری واحد محاسباتی مشابه منافع حاصل از معرفی واحد اندازه‌گیری برای قد، وزن و درجه‌ی حرارت است. در چارچوب نظری برونر-ملترز هر کارگزار (AGENT) اقتصادی می‌کوشد برای کسب اطلاعات سرمایه‌گذاری کند و طبیعی است که این محاسبات تحت شرایطی خاص در تصمیم‌گیری مربوط به بهینه‌سازی او مؤثر خواهد بود. به این معنی که زمانی دستیابی (تولید) اطلاعات در حد بهینه خواهد بود که رفاه از دست رفته‌ی ناشی از منابع مصرف شده برای آن با رفاه حاصل از به دست آوردن اطلاعات بیشتر برابر

باشد. با استفاده از اصطلاح اقتصادی محض می‌توان عنصر اخیر را مطلوبیت نهایی ناشی از موقعیت مبادله‌ی بهتر و تنزل نااطمینانی دانست. به اعتقاد این دو، مراحل زیادی بین ظهور یک سیستم پایا پای و یک سیستم اقتصاد پولی کامل وجود دارد. در برخی از این مراحل دارایی‌هایی (ASSETS) وجود داشته‌اند که تواتر بیشتری در مبادلات به دست آورده‌اند، تا اینکه بالاخره «پول» به عنوان وسیله‌ی مبادله و آن دارایی که بیشترین مبادلات به وسیله‌ی آن انجام گرفته ظاهر شده است. ظهور آن نیز معلول فرصتهایی است که ناشی از توزیع اطلاعات ناقص است.^{۱۰}

به منظور آنکه شاهد مثالی نیز در مورد این وظیفه‌ی خاص پول داشته باشیم لازم است یادآوری شود که در این مرحله از بحث، نظریه‌پردازان تئوریهایی پولی، حسب آنکه مسائل خرد اقتصاد پولی را مورد بحث قرار دهند یا مسائل کلان به دو دسته تقسیم شوند، شاید بتوان ادعا کرد فردی که پول را از دید اقتصاد خرد به بحث مفصل گذارده است کتاب معروف پاتینکین تحت عنوان «پول - بهره و قیمت‌ها» است. در مدل پیشنهادی وی پول به عنوان یکی از متغیرها وارد تابع مطلوبیت می‌شود. این عمل نه به خاطر آن است که پول مستقیماً یا اینکه مصرف کردن پول دارای مطلوبیت است، بلکه به این جهت که «نگهداری» پول متضمن مطلوبیت و خرسندی است. به زبان خود پاتینکین

۹. بطور کلی اگر N کالاها در جامعه وجود داشته باشد لازم است $\frac{N(N-1)}{2}$ نرخ مبادله را بدانیم. بعنوان مثال اگر ۱۰۰۰ کالا وجود داشته باشد تعداد ۴۹۹۰۵۰۰ نرخ مبادله را باید بدانیم در حالیکه اگر وسیله‌ی مبادله‌ای (پول به هر شکل) داشته باشیم فقط لازم است تعداد $N-1=999$ قیمت را بدانیم.

۱۰. صفحات ۷۸۶-۸۷ مقاله برونر-ملترز (۱۹۷۱).

حالی که در نظریه‌ی نشوکلاسیکها پول مولد مطلوبیت است.

در مدل کلاسیکها تابع مطلوبیت (به عنوان مثال) به صورت زیر تعریف می‌شود:^{۱۱}

$$U = f(X_1, X_2, \dots, X_n) \quad (1)$$

که در آن U مطلوبیت و f تابع مطلوبیت و X_i مقدار حقیقی کالای آی-ام است که در آن مصرف کننده معادله‌ی (۱) را با توجه به تقاضا برای کالاهای مورد بحث به حداکثر می‌رساند و محدودیت بودجه‌ی او به صورت زیر است:

$$\sum_{i=1}^n P_i X_i + M = Y + \bar{M} \quad (2)$$

که در آن P_i قیمت پولی مثبت و تثبیت شده‌ی کالاهای آی-ام است و M مقدار پول تقاضا شده و \bar{M} عبارت است از مقدار اولیه‌ی پول مصرف کننده که در اختیار او بوده است.

محدودیت بودجه به وسیله‌ی معادله‌ی (۳) تعریف

$$M = k \sum_{i=1}^n P_i X_i \quad (3)$$

می‌شود: که در آن $k > 0$ و یک عدد ثابت است. معادلات (۱) و (۳) این ایده را دنبال می‌کنند که مصرف کننده متقاضی پول است زیرا که $k > 0$ است. پس از حل این معادلات $n+1$ معادله تقاضا به دست خواهیم آورد که عبارتند از:^{۱۲}

این مطلوبیت زمانی احساس می‌شود که فرد پول نقد در اختیار نداشته باشد. در این حالت یا فرد مورد بحث در پرداخت دینی که مهلت آن سر رسیده است قصور کرده و مثلاً چک او نکول می‌شود و یا اینکه مجبور می‌شود بخشی از اوراق قرضه‌ی او را که در اختیار داشته نقد کرده و از بهره‌ی او که می‌توانست عایدش شود صرف‌نظر کند. در حقیقت بحث آن است که آیا می‌توان پول اسمی را هم در تابع مطلوبیت قرار داد و هم به صورت محدودیت بودجه، یا آنکه پول فقط باید در محدودیت بودجه وارد شود؟ به عبارتی دیگر مطلب اساسی در این است که آیا تصمیم‌گیری در مورد نگهداری مقداری پول به عنوان کاری است که فرد پس از کلیه‌ی برنامه‌های خود نسبت به آن تصمیم می‌گیرد یا آنکه پول، خود دارای موجودیتی است و همزمان با سایر امور نسبت به آن تصمیم‌گیری می‌شود؟

حالت اول به وسیله‌ی اقتصاددانانی مانند لویید-برونر و مارشاک به عنوان مدل کلاسیکها تعبیر شده است، در حالی که اگر پول مانند سایر کالاها در تابع مطلوبیت ظاهر شود چارچوب بحث در قالب نظریه‌های نشوکلاسیکهاست. به طور خلاصه اختلاف بین دو تنز کلاسیکها و نشوکلاسیکها را می‌توان در این یافت که در نظریه‌ی کلاسیکها پول مولد مطلوبیت نیست، در

۱۱. مقاله لویید (۱۹۶۸).

۱۲. مدل‌های دیگری نیز توسط اقتصاددانان دیگر مانند مارشاک-برونر و ساموئلسون-پاتینکین طراحی شده است که خواننده می‌تواند به آنها مراجعه نماید. در اینجا بعثت تمرکز بر روی مسائلی که مورد توجه خاص این مقاله است از ذکر آنها خودداری می‌شود ولی در صفحات آینده به نکات مهمی در باره این مدل‌ها خواهیم پرداخت. از دید اقتصاد کلان شاید جامع‌ترین روشی که مفهوم وسیله مبادله بودن پول را بکار گرفته است. کتاب بی. پترک وتی. سی وینگ (۱۹۶۷) و مقاله تی. سی وینگ (۱۹۷۰) باشد که در آن بهترین وجه استفاده از پول درونی (INSIDE MONEY) را ثروت خالص جامعه تعریف کرده‌اند که می‌توان به آن مراجعه کرد.

سرمایه داری به وجود آمده اند.

پرسشی که در اینجا به عنوان یکی از خصوصیات پول و برای روشن شدن ماهیت ارزش داشتن آن مطرح می شود آن است که مطالعه شود، آیا پول یک مفهوم روانه (FLOW) است یا یک مفهوم انباره (STOCK)؟ به طور متعارف مفاهیم اقتصادی یا در قالب انباره (یک لحظه از زمان) و یا در قالب روانه (به ازای واحد زمان) اندازه گیری می شوند. اگرچه این موضوع از نظر اقتصاددانان غربی ضرورتاً سؤالی مربوط به یک واقعیت خارجی نیست ولی به اعتقاد آنها پول انباره ای است که با سایر اقسام سرمایه، چه فیزیکی و چه غیرفیزیکی، فصل مشترک دارد. انباره یا روانه بودن پول بستگی به آن دارد که فرد بر روی کدامیک از خصوصیات آن تأکید داشته باشد. به عنوان مثال برای فرموله کردن معادله در سطح اقتصاد کلان و منتسب به مکتب کمبریج دو مفهوم انباره به هم پیوند داده شده اند:

$$M = k \cdot y \quad (5)$$

که در آن M پول و y درآمد ملی است. در حالی که در مدل نئوکلاسیکها V (یعنی سرعت گردش پول) وظیفه ی تبدیل پول را از مفهوم انباره به روانه ایفا می کند بطوری که فرمول فوق به صورت زیر می آید:

$$M \cdot V = y \quad (6)$$

آنچه که از دو معادله ی بالا استفاده می شود آن است که معادله ی (5) برای موضوعات مربوط به پورتفولیو بهترین شکل را یافته، در حالی که معادله ی (6) یک توضیح روانه ای است. یعنی رابطه ی درآمد ملی و انباره ی پول را نشان می دهد.

$$x_i = h_i(P_1, P_2, \dots, P_n, y, \bar{M}) \quad (4)$$

$$M = k \cdot \sum_{i=1}^n P_i h_i(P_1, P_2, \dots, P_n, y, \bar{M}) \\ = h_M(P_1, P_2, \dots, P_n, y, \bar{M})$$

۳-۱. پول به عنوان واحد محاسباتی: در مورد اینکه پول وسیله ای بوده که بشر آن را به منظور سنجش ارزشهای اقتصادی و به عبارت دیگر به عنوان واحد محاسباتی اختراع کرده است، چون بحث خاصی وجود ندارد و از نظر مسائل نظری موضوع بخصوصی را به وجود نمی آورد و این وظیفه و وظیفه ی جهانی برای پول شناخته شده است، از ورود به آن خودداری می شود. در عوض موضوع بحث را به وظیفه ی سوم پول که مورد مجادله بین اقتصاددانان قرار گرفته است اختصاص می دهیم.

۴-۱. ذخیره ی ارزش بودن پول: در حالی که بحث مربوط به استفاده از پول به عنوان یکی از اقسام داراییهایی که به علت میعان خاص خود از سایر اقسام داراییها ممتاز شناخته شده، مورد قبول اقتصاددانان قرار گرفته، ولی انتقال پول از مرحله ی وسیله ی مبادله بودن تا ذخیره ی ارزش شدن مسائل زیادی را مطرح کرده است. این مسائل به علت یافتن جانشینهای زیادی است که برای پول به وجود آمده و این جانشینها داراییهای مالی را شامل می شوند که به وسیله ی وامهای دولتی و یا تعهدات مؤسسات مالی در کشورهای

و دولتی نگهداری می شود، در حالی که لحظه ای بعد که بخشی از آن دست به دست می گردد توزیع جدیدی از داراییها و کالا را مشاهده خواهیم کرد. در اینجا همچنین می توان با بهره گیری از نظریه ی رجحان ظاهر شده (REVEALED PREFERENCE) بحث کرد که قطعاً می بایستی منافعی در دو لحظه از زمان حاصل شده باشد. همچنین آنکه استفاده از پول که موجبات تسهیل در مبادلات را فراهم آورده است مستقیماً در پیدایش این منفعت دخیل بوده است. ولی لازم به توضیح است که این نتیجه به ما، در آزمون این خدمات کمک نمی کند زیرا خود معامله و تجارت نیز در به وجود آوردن قسمتی از این منافع مؤثر بوده است.^{۱۳}

تفاوت دیگری بین معادلات (۵) و (۶) وجود دارد و آن اینکه در معادله ی (۵) پول به صورت انباره تعریف شده و ما را به جایی راهنمایی می کند که انگیزه های نگاهداری پول را بررسی کنیم و مورد تحلیل قرار دهیم. بنابراین وظیفه ی پول به صورت ایجاد تسهیلات در مبادلات همان انگیزه ی مبادله است، یعنی پول به منظور انجام مبادلات در آینده حفظ و نگاهداری می شود. در چنین حالتی از بازدهی غیر صریح که به صورت نرخ بهره ی از دست رفته تعریف می شود، صرف نظر شده و این نرخ به وسیله ی نرخ بازدهی صریح حاصل از نگاهداری ارقام دیگر دارایی در پورتفولیو مقایسه

در اینجا باید توجه داشت که این دو روش عکس یکدیگر نیستند زیرا M در معادله ی (۵) در یک لحظه از زمان اندازه گیری می شود (طبیعی است که y نرخ روانه ی درآمدی است که از نظر زمانی نزدیکترین فاصله را دارد) در حالی که در معادله ی (۶) y نرخ روانه یک دوره ی زمانی (مثلاً سه ماه است. همچنین M ممکن است به صورت انباره ی متوسط پول در دوره ی مشابه اندازه گیری شود. نکته ی بعدی آنکه این دو روش را نمی توان دقیقاً با یکدیگر مقایسه کرد زیرا تغییر حاصل در انباره را جز در حد (LIMIT) نمی توان به صورت نرخ فعالیت تعریف کرد.

از نظر اقتصاددانان غربی، پول نه تنها یک مفهوم انباره بلکه از آنجا که خدمت آفرین است و عرضه ی آن در مقایسه با تقاضای آن محدود است یک کالای اقتصادی (Economic Good) به شمار می رود. یکی از خدمات پول آن است که واسطه ی مبادلات قرار می گیرد. مبادلات ضرورتاً زمان بر هستند، به این معنی که در یک لحظه از زمان مبادله صورت نمی گیرد. در واقع پولی که در دسترس مردم قرار دارد موجبات صرفه جویی در وقت لازم برای مبادلات را فراهم می کند. بنابراین، این خدمت پول را می توان از بعد روانه ای مورد بحث قرار داد. موضوع را می توان قدری بیشتر به جلو برد، به این معنی که در هر لحظه از زمان تمام پولها به عنوان دارایی در پورتفولیوی بخش خصوصی

۱۳. نکته مهمی در اینجا وجود دارد و آن اینست که تمام منفعت بدست آمده ناشی از معامله و تجارت است نه بخشی از آن ولی مقدار این منافع به موجب آنچه جزو وظایف پول دانسته ایم با معیار پولی سنجیده می شود. اینکه چون معیاری برای سنجش ارزشهای اقتصادی درست کرده ایم و حال وظیفه خود را انجام می دهد سعی شود بابت این وظیفه سهمی (همان بهره یا ربا) قائل شویم ملاحظه می شود که چقدر سست بنیان و غیر منطقی است. بعداً به این نکته و نکات دیگر خواهیم پرداخت.

در M, P_1, P_2, \dots, P_n تأثیری در روابط بی تفاوتی بین X_1, X_2, \dots, X_n نداشته باشد. در چنین گروه بندی نقش غیرمستقیم متغیرهای مالی مشخص شده و تابع مطلوبیت به صورت زیر نوشته می شود:

$$U = g [f(x_1, x_2, \dots, x_n), M, P_1, P_2, \dots, P_n] \quad (V)$$

که به آن تابع مطلوبیت قابل تفکیک (به طور ضعیف) گویند. تابع g به نسبت M, P_1, P_2, \dots, P_n هموژنتیک (HOMOTHETIC) است. در اینجا مصرف کننده تابع f را با قید آنکه

$$\sum_{i=1}^n P_i x_i = E \quad \text{بطوری که:}$$

$$E = \sum_{i=1}^n P_i x_i + \bar{M} - M^0 \quad (A)$$

که در آن M^0 حد بهینه M است به حداکثر می رساند. در اینجا $n+1$ معادله تقاضای به دست آمده به شرح زیر خواهد بود:

$$x_i = h_i(P_1, P_2, \dots, P_n, \bar{x}_1, \bar{x}_2, \dots, \bar{x}_n, \bar{M}) \quad (9)$$

$$= H_i(P_1, P_2, \dots, P_n; E); \quad i = 1, 2, \dots, n$$

$$M = h_M(P_1, P_2, \dots, P_n, \bar{x}_1, \bar{x}_2, \dots, \bar{x}_n, \bar{M}).$$

باید توجه داشت که نه این است که تقاضاهای حقیقی مستقل از موازنه های پولی (MONEY BALANCES) تعیین می شوند، بلکه فقط آنکه تأثیر M به وسیله عبارت درآمد است نه از طریق عبارتهای مربوط به قیمتها.^{۱۴}

می شود. در حالی که اگر معادله ی (۶) مورد استفاده قرار گیرد، بهترین شکل برای توضیح خدمات حاصل از جنبه ی روانه ای بودن پول را برگزیده ایم. به عبارت دیگر در یک دوره ی زمانی پول در خدمت درآمد ملی بوده و سرعت گردش آن نشان می دهد که به طور متوسط چند بار این وظیفه در این دوره تکرار شده است. نکته ی حساسی که در این معادله وجود دارد، بحث اساسی مربوط به وجه افتراق بین دو سیستم سرمایه داری و اسلامی است. در معادله ی (۶) دیگر نمی توان اثبات کرد که چگونه نرخ بهره تنظیم کننده ی مقدار پول است، زیرا نرخ بهره (به عنوان نرخ بازگشت به برخی از ارقام دیگر دارایی در سیستم سرمایه داری) در یک لحظه از زمان تعریف و اندازه گیری می شود.

در مدل نئوکلاسیکها (که قبلاً به آن اشاره شد) و در اینجا به ذکر یکی از آنها می پردازیم نقش پول طوری است که مستقیماً در تابع مطلوبیت مصرف کننده ظاهر می شود. مدل زیر که به علت شباهتهای دو مدل لوید^{۱۴} و مدل موریشیما^{۱۵} به یکدیگر یکجا ذکر می شود دارای خصوصیات زیر است:

فرض می شود مصرف کننده ی کالاهای حقیقی را به یک گروه (X_1, X_2, \dots, X_n) و متغیرهای مالی $(M, P_1, P_2, \dots, P_n)$ را به گروه دیگر طوری تقسیم کند که تغییرات حاصل

۱۴. به مقاله لوید سال (۱۹۷۱) مراجعه شود.

۱۵. به مقاله موریشیما سال (۱۹۷۳) مراجعه شود.

۱۶. در جای دیگر پروفیسور میلتنون فریدمن پول را بعنوان یک کالای با دوام تلقی کرده که مقدار آن را در ارتباط با درآمد دائمی (PERMANENT INCOME) می داند (مقاله نامبرده صفحات ۱۱۲-۱۱۱) (۱۹۶۹).

اطلاعات.

منظور از جمع کردن، به دست آوردن یک کل یا مجموعه (AGGREGATE) است که به عنوان یک محصول واحد تلقی شود. جمع کردن یا بر روی تعداد معامله کنندگان (مانند تقاضای فردی یا توابع عرضه) یا روی کالاها و یا روی داراییها (مانند سپرده‌های جاری و مدت دار) صورت می‌گیرد. در صورتی که جمع کردن بر روی کالاها صورت گیرد ضرورت دارد که برای این مجموعه شاخص بها تعریف شود و وظیفه‌ی اقتصاددان در این مورد آن است که ثابت کند این مجموعه و قیمت آن در تئوری اقتصادی مانند هم عمل می‌کنند. به این منظور بود که، قضیه‌ی کالاهای مرکب (COMPOSITE GOODS) توسط پروفیسور هیکس ابداع شد. این قضیه به صورت زیر بیان شده است:

هر گاه قیمت تمام کالاهای یک گروه از کالاهای موجود در تابع مطلوبیت، به یک نسبت تغییر کند، این گروه را در تحلیل تئوری تقاضا می‌توان به عنوان یک کالا تلقی کرد. هزینه‌ی مربوط به جمع کردن، زمانی جلوه خواهد کرد که در شرایط خاص، قیمت‌ها به یک نسبت تغییر نکنند. یکی از مواردی که این قضیه در تعادل کاملاً مصداق می‌یابد، در مورد کالاهایی

مدل پاتینکین که از نظر شکل نزدیک به معادله‌ی (۷) است و در آن پول وارد تابع مطلوبیت شده مورد انتقاد غیرمستقیم هندرسن - کوانت^{۱۷} قرار گرفته است. به این صورت که آنها اظهار می‌دارند چون پول وارد تابع مطلوبیت مصرف کننده نمی‌شود تقاضای اضافی برای پول نمی‌تواند به وسیله‌ی اصل به حداکثر رسانیدن مطلوبیت به دست آید. مضافاً اینکه گرچه معرفی پول کاغذی در سیستم تعادل عمومی ایستا ممکن است ولی تصنعی نیز هست. در این سیستم که به هیچ صورت با لحظه‌های زمانی قبل و بعدی خود ارتباط ندارد مشکل است که بتوان انگیزه‌ی نگاهداری پول را به دست آورد. موضوع جالب در مورد پول (از نظر نامبردگان) زمانی اتفاق می‌افتد که رفتار مصرف کننده در تحلیل پویا و طی زمان مورد بررسی قرار گیرد.^{۱۸}

۵-۱. موضوع جمع کردن^{۱۹} (AGGREGATION): هدف اصلی از جمع کردن صرفاً به دست آوردن سادگی و سهولت در به کارگیری مفاهیم خرد در چارچوب همین مفاهیم در سطح اقتصاد کلان است. بدیهی می‌باشد، فوایدی که حاصل این سادگی بوده متضمن هزینه است. این هزینه عبارت است از بی‌توجهی و به دست فراموشی سپردن برخی

۱۷. به صفحات ۷۷-۱۷۴ کتاب هندرسن و کوانت (۱۹۷۱) مراجعه شود.

۱۸. در بخش دیگر در مورد موضوعات خاص در اقتصاد اسلامی توضیح داده خواهد شد که چون بازاری برای پول نمی‌تواند وجود داشته باشد و پول بعنوان یک مفهوم روانه‌ای که وسیله‌ی تسهیل مبادلات را فراهم می‌کند تقاضای آن فقط بصورت یک تقاضای مشتق مد نظر خواهد بود نه آنکه بخواهیم عرضه‌ای نیز برای آن تصور کنیم و بازاری برای آن بوجود آوریم.

۱۹. اقتباس از صفحات ۲۸-۳۱ کتاب دی. فیشر (۱۹۷۸). خواننده می‌تواند به کتاب گرین (۱۹۶۴) و نیز فصل ۷ تاب سی. جی. بلیس (۱۹۷۵) صفحات ۱۶۹-۱۴۳ نیز مراجعه نماید.

است که در قسمتی از نرخ جانشینی جانشین کامل یکدیگر باشند. در این صورت است که منحیهای بی تفاوتی به صورت یک خط مستقیم در می آید.

بحث مربوط به جمع کردن متغیرهای اقتصادی و جانشین بودن آنها در مورد ارقام داراییها اهمیت خاص می یابد. در اینجا هدف قرار دادن این ارقام در تابع مطلوبیت نیست، بلکه موضوع همان جانشینی است. در چنین حالتی جانشین کردن جریان بازدهیهای منتظره‌ی داراییهاست که اهمیت پیدا می کند نه جانشین کردن ارقام داراییها به جای یکدیگر. از آنجا که جمع کردن در این صورت بر روی بازدهیهای آینده است می توان موضوع جمع کردن را از طریق فرض سررسید یکسان تمام ارقام داراییها به بحث ریسک تقلیل داد. بدیهی است اگر ریسکهای متفاوتی در میان این ارقام وجود داشته باشد، مشکل جمع کردن همچنان باقی خواهد ماند. بنابراین اگر تمام ارقام داراییها از نظر ریسک و زمان سررسید طوری باشند که بتوان آنها را یکسان تلقی کرد، می توان این ارقام را با هم جمع نمود و فرض کرد این داراییها در جریان بازدهیهای جانشین کامل یکدیگر هستند. به علاوه آنکه اگر تمام داراییهای یک گروه از نظر ریسک و بازدهی منتظره یکسان اولی از نظر سررسید متفاوت باشد، مشکل جمع کردن در مورد سررسید هنوز وجود خواهد داشت. بنابراین می توان بحث کرد که اسکناس و سپرده های جاری که به آنها بهره تعلق نمی گیرد از نظر ریسک یکسانند و از آنجا که زمان و سررسید مشابه دارند با اطمینان می توان آنها را با هم جمع

کرد.

موضوع جمع کردن ارقام دارایی در اقتصاد کلان اهمیت خاصی می یابد، زیرا در تئوری متعارف پنج مجموعه یا گروه (AGGREGATE) وجود دارد که عبارتند از:

۱- کالاهای مصرفی

۲- کالاهای تولیدی

۳- خدمات نیروی انسانی

۴- پول

۵- اوراق قرضه

اما مشاهده می شود که فقط سه قیمت نسبی به دست می آید که یکی، سطح قیمتها، دیگری نرخ دستمزد و سوم نرخ بهره است. با رعایت قیود تحمیل شده بر روند جواب به دست آمده این مطلب به آن معنی است که یکی از کالاها باید در کالاهای دیگر مستحیل یا حذف شود. مشاهده می شود آنچه که کینز انجام داده این است که او کالاهای سرمایه ای (که تجلی صورت مالی آنها به صورت سهام است) را با اوراق قرضه جمع کرده و در نتیجه چهار گروه زیر باقی می ماند:

۱- کالاهای مصرفی

۲- داراییهای غیر پولی

۳- خدمات نیروی انسانی

۴- پول

در چنین حالتی است که پس از جمع کردن دو مجموعه (یعنی کالاهای سرمایه ای و اوراق قرضه) قیمت آن به وسیله ی یک نرخ که همان نرخ بهره باشد نشان داده می شود. در چارچوب مدل کینز هر یک از مجموعه ها یا براساس جانشینی بین اجزای هر مجموعه، توان مقاومت

دارد یا مضمحل می شود، نه براساس ارتباط آن با قیمت مشخصی که برای نشان دادن نرخ بازدهی آن مجموعه انتخاب می شود.

۲- پول از دیدگاه حقوقی (روش اسلامی)

اصولاً شیوهی بحث از نظر اسلام با شیوهی بحث در دو سیستم سرمایه داری و کمونیسم (شامل سوسیالیسم) متفاوت است. در اسلام مسائل اقتصادی ابتدا از دیدگاه مکتب اقتصادی مطرح می شود و نظرات و قواعدی که به دست می آید به عنوان زیر بنا مورد استفادهی اقتصاددان قرار می گیرد.^{۲۰}

مکتب اقتصادی با ایدهی عدالت اجتماعی ارتباط دارد، در حالی که مباحث اقتصادی ممکن است موضوعاتی را مدنظر قرار دهد که فقط از جنبه‌ی کارایی (EFFICIENCY) مهم باشد. بدیهی است برای به دست آوردن عدالت اجتماعی (EQUITY) باید بهایی متناسب با اهمیت آن پرداخت کرد و این موضوع سالهاست نظر اقتصاددانان را بر سر دو موضوع عدالت اجتماعی و کارایی به خود مشغول کرده است.^{۲۱}

این موضوع از جمله قضایای قابل بحث در مکاتب اقتصادی است و برای هر سیستم اقتصادی بحث در این موارد غیرقابل اجتناب بوده و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

وظیفه‌ی مکتب اقتصادی، ارائه راه‌حلهایی است که با مفاهیم عدالت‌خواهی سازگار باشد ولی معلوم نیست که علم اقتصاد چنین وظیفه‌ای به عهده داشته باشد. قابل تعمق و تأمل است که مشاهده کنیم مسائلی از قبیل حلال و حرام را مجتهدی عالیمقام مانند علامه شهید سید محمدباقر صدر به جهت آنکه با عدالت وفق دارد یا نه مورد بررسی قرار می دهد. او در این زمینه نوشته است:

«با در نظر گرفتن این حقیقت که تعبیرات دو گانه‌ی حلال و حرام عناوینی است برای نشان دادن ارزشهای مورد قبول اسلام که تمام روابط اجتماعی از قبیل روابط فرد با دولت - فروشنده با خریدار - عامل با مستأجر و... را در بر می‌گیرد، از این رهگذر بخوبی می‌توان به سیستم اقتصاد مکتبی در اسلام راه یافت. زیرا هریک از این روابط اگر به طور عادلانه تنظیم شده باشد «حلال» و در غیر این صورت «حرام» است.»^{۲۲}

واضح‌تر از بهره (همان ربا) که صریحاً در قرآن کریم تحریم شده است چه چیزی را می‌توان یافت که به این صورت با آن برخورد قاطع شده باشد؟ چطور می‌توان در اقتصاد سرمایه داری بهره را از پول و پول را از سرمایه جدا کرد؟ (به بحث جمع کردن کینز که در بخش قبلی آمد توجه شود). پس برای ساختن اقتصادی سالم مبتنی بر عدالت اجتماعی باید بهره را که حرام است از

۲۰. صفحات ۲۶-۱۱ جلد دوم اقتصاد ما تألیف شهید محمد باقر صدر (۱۳۵۷).

۲۱. به عنوان نمونه به صفحات ۵۴-۵۷ نیکلسون (۱۹۷۸) مراجعه نمایید.

۲۲. صفحه ۱۹ جلد دوم- سید محمد باقر صدر (۱۳۵۷).

که در دنیای امروز بخصوص در نظام سرمایه‌داری مطرح است آنچنان است که در مفهوم خاص آن (اسکناس و مسکوک) فقط از نظر ظاهر شباهتی وجود دارد و گرنه از نظر نوع وظایفی که انجام داده و می‌دهند شباهت چندانی وجود ندارد. مبادا پیش کشیدن بحث به این صورت چنین توهمی را به وجود آورد که نگارنده با افکار «ارتجاعی» می‌کوشد زندگی بشر اولیه را زنده کند و منکر پیشرفت علم و تکنولوژی شود. مهم این است که پرسیده شود پدیده‌های تازه تا چه حد موجبات رفاه و آسایش مادی و معنوی جوامع انسانی را فراهم کرده است؟ حتی از این نیز می‌توان فراتر رفت و پرسید: پیشرفتهای غیرقابل انکار علوم و تکنولوژی تا چه حد انسان را به خویشتن خویش نزدیک کرده یا به عبارت دیگر تا چه حد انسان را از خویشتن بیگانه کرده است؟^{۲۴} این همان بحث غیرقابل اجتناب ایدئولوژی است که اقتصاددانان با آن دست به گریبان است. باید دید اگر اقتصادیات هدف یک جامعه یا افراد آن نباشد و صرفاً به صورت یک وسیله و برای هدفی عالی (رستگاری و فلاح) درآید چطور می‌توان این پدیده‌ها را مشاهده کرد و از این دید به بررسی آنها پرداخت. پروفیسور هرکورت^{۲۵} با صراحت اذعان دارد که ایدئولوژی یا مکتب اقتصادی بر روی نحوه

جامعه‌ی اقتصادی حذف کرد. طبیعی است که حذف بهره، تبعاتی دارد که ناگزیریم آن را نیز بپذیریم. ملاحظه می‌شود برای ورود به بحث پول مجبوریم از دید حقوقی که عدالت اجتماعی را در نظر گرفته باشد به آن بنگریم تا بتوان زمینه را برای زدودن زنگاری که نوشته‌های بشمار اقتصاددانان غربی در ذهن بقیه‌ی اقتصاددانان و نیز تبلیغات در افکار دیگران به وجود آورده‌اند هموار کرد، آنگاه از طریق حذف مباحث غیرضروری به دیدگاههای اسلام در مورد پول برسیم.

امروزه پول به صورت یکی از پیچیده‌ترین مفاهیم اقتصادی در آمده و هرچه زمان می‌گذرد این کلاف پیچیده‌تر می‌شود و معلوم نیست کسی را راه‌رهایی از آن باشد یا نه؟ با روندی که موضوعات مربوط در کتب و مجلات معتبر اقتصادی یافته‌اند بعید به نظر می‌رسد در این امر توفیقی حاصل شود، مگر آنکه یک بار هم که شده علل پیدایش پول و نحوه‌ی به جریان افتادن آن و وظایفی که از آن می‌توان انتظار داشت از دید حقوقی مورد بررسی قرار گیرند. ذیلاً به علت روشن بودن برخی از موضوعات مبتلا به این بحث از ورود مفصل به آنها خودداری شده و جانب اختصار رعایت خواهد شد.

۱-۲. پیدایش پول و خصایص آن^{۲۳}: پول از جمله اختراعات فوق‌العاده شگفت‌انگیز بشر است. تفاوت پولی را که از ابتدا مدنظر بوده و وظیفه‌ای را که از آن انتظار داشته‌اند به آنچه

۲۳. خواننده می‌تواند برای بحث معضل به کتاب آموزنده گالبرایت (۱۹۸۶) مراجعه نماید.

۲۴. به صفحات ۹۴-۳۹۲ جلد اول اقتصاد ما مراجعه شود.

۲۵. صفحات ۱۳-۱۲ مقاله ایشان (۱۹۷۲).

هماهنگ، نظری مخالف نظر خویش برگزیده است. آنچه این علامه شهید در جلد دوم اقتصاد ما بر آن تأکید دارد ابزار تولید یا در اصطلاح اقتصادی کالاهای سرمایه‌ای^{۲۷} است و مطالب ایشان مستقیماً وارد بحث پول نمی‌شود. شهید مطهری نیز با استفاده از همین شیوه ولی مستقلاً به بحث اصلی در زمینه‌ی پول پرداخته^{۲۸}. تمرکز مطالب بعدی این مقاله بر روی موضوعاتی است که غالباً این شهید بزرگوار از آن بحث کرده است.

پس از قدری انحراف از موضوع، به بحث اصلی باز می‌گردیم و آن پیدایش پول و خصایص آن است. در زمان حال تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد دولتی نیست که وظیفه‌ی انتشار اسکناس را منحصرأ در اختیار نداشته باشد. بنابراین می‌توان دولت را انحصارگر در تولید پول دانست (البته توجه داریم که خلق پول منحصرأ به وسیله‌ی دولت صورت نمی‌گیرد ولی منظور در اینجا پول فیزیکی یا همان اسکناس و مسکوک است). این پول با هزینه‌ی نهایی نزدیک به صفر تولید می‌شود، به این معنی که گاهی ممکن است نسبت هزینه‌ی تمام شده‌ی پول (هزینه‌ی چاپ) به ارزش اسمی آن یک به دو هزار باشد. مضافاً اینکه اسکناس در مقایسه با کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای مشمول استهلاک و اضمحلال فیزیکی نیست.^{۲۹}

بحث - مفروضات انتخاب شده - عواملی که یا حذف شده یا اضافه شده‌اند و یا آنکه به طور ناقص نسبت به آنها تأکید شده است - اظهارنظرها - مدلها و... تأثیر می‌گذارد. به اعتقاد اینجانب (نویسنده) اگر مسائل اقتصادی امروزه را بنیادی و از نقطه نظر مبانی حقوقی (که در اینجا طبیعتاً منظور حقوق اسلامی است) مورد بررسی قرار دهیم شاید مسائل به گونه‌ای دیگر در نظر ما مجسم شده و مطالب جدیدی که آثار اقتصادی - اجتماعی معتابهی را در برداشته باشد مطرح شود.^{۲۶} این همان چیزی است که شهید سید محمدباقر صدر در کتاب دو جلدی خود اقتصاد ما انجام داده است. وی حتی بدون آنکه وارد مسائل پیچیده‌ی مدل‌های اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیسم (و کمونیسم) شود صرفاً با تکیه بر جنبه‌های حقوقی این دو نظام اقتصادی با استادی تمام قادر به کشف و ارائه‌ی تناقضهای موجود در این دو نظام شده و با پرهیز از اشتباههای این دو نظام کوشیده است مبانی حقوقی اقتصاد اسلام را آنچنان که هست توضیح دهد. جالب اینجاست که شهید صدر آنجا که ملاحظه کرده در برخی برداشتهای فقهی شخصی ممکن است تناقضی در نظامی که ارائه می‌دهد به وجود آید از آن صرف‌نظر کرده و به منظور تنظیم سیستمی

۲۶. این نه به آن معنی است که اقتصاددانان غربی به مسائل حقوقی کلاً بی‌توجه هستند بلکه منظور آنستکه آنطور که باید مسائل را از دید حقوقی کمتر بررسی کرده‌اند و آنجا که متدلری تحقیق آنها متدلری حقوقی است به موفقیهای شایانی دست پیدا کرده‌اند بعنوان مثال به مقاله فریوتن -

په‌ویج (۱۹۸۲) مراجعه شود.

۲۷. صفحات ۲۱۲-۲۰۷ جلد دوم اقتصاد ما (۱۳۵۷)

۲۸. کتاب ربا - بانک - بیمه شهید مرتضی مطهری (۱۳۶۴).

۲۹. صفحه ۲۶ کتاب دی. فیشر (۱۹۷۸).

کالاهای مصرفی بی دوام بر اثر مرور زمان پوسیده می شوند و از بین می روند. کالاهای مصرفی بادوام و نیز کالاهای سرمایه‌ای در معرض تأثیرات ناشی از پیشرفت و همچنین استهلاک تکنولوژیکی هستند که در دنیای امروز امری غیرقابل کنترل شده است، ولی معلوم نیست استهلاک پول که ناشی از تورم است^{۳۰} غیرقابل اجتناب باشد. به عبارت دیگر باید ثابت کرد که تورم پدیده‌ی کلیه‌ی نظامهای اقتصادی است تا بتوان از آن استهلاک پول را که ناشی از آن است استنتاج کرد و معلوم نیست تا چه حد بتوان در این امر موفق شد.

۱-۱-۱. پول یک «کالا»ی عمومی: از جهت دیگر نیز می توان گفت که آیا پول را می توان یک «کالا» دانست، در حالی که دولت تولیدکننده‌ی این «کالا» میباشد و هزینه‌ی تولید آن نزدیک به صفر است و مشمول استهلاک فیزیکی نمی شود؟ اگر بتوانیم بر روی پول، اصطلاح «کالا» را بگذاریم آیا این «کالا» می تواند یک «کالا»ی خصوصی باشد؟ (به بخش دیگر تحت عنوان «تعریف کالا» مراجعه شود). برای پاسخ به این پرسش می توان موضوع را به صورت دیگری مطرح کرد و آن اینکه آیا این «کالا» می تواند عمومی باشد؟ آیا خواص کالای عمومی را دارد یا نه؟

یک کالای عمومی مانند امنیت ملی را در نظر

می‌گیریم که جنبه‌ی روانی دارد، اما در عین حال، قابل تبدیل به مظاهر مادی نیز (هنگام جنگ) هست و همگی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند و کسی را نمی‌توان از استفاده‌ی از آن محروم ساخت. اگر کالای عمومی دیگری را که جنبه‌ی فیزیکی دارد - مانند بزرگراه - در نظر بگیریم، در اینجا نیز تمام خواص یک کالای عمومی مصداق دارد. حال می‌پرسیم آیا همه‌ی افراد به طور یکسان از این کالای عمومی استفاده می‌کنند؟ بدیهی است که گرچه این حق برای همگان و بالقوه وجود دارد ولی کسانی که صاحب اتومبیل بیشتری هستند و یا امکان حرکت (مسافرت) به دفعات بیشتری را دارند بیشتر از فواید آن استفاده می‌کنند تا کسانی که اصلاً اتومبیل ندارند و یا اصولاً امکان مسافرت برای آنها نیست. آیا پول قابل مقایسه با این کالاهای عمومی هست؟ پاسخ مثبت است، زیرا مشخص است که چه کسانی از این کالای عمومی بیشتر بهره‌مند می‌شوند. بدیهی است آنها که ثروتمندترند (نه از جهت تعداد اسکناسهایی که در اختیار دارند، بلکه به خاطر ارقام دارایی‌شان مانند ساختمان - ماشین - کارخانه و... که باید در ابتدا پولی وجود می‌داشته که تبدیل به این ارقام شده باشد و فصل مشترک و معیار سنجش این ارزشهای اقتصادی باشد) از مزایای آن بیش از دیگران استفاده می‌کنند. مزایای آن چیست؟ آنها می‌توانند به وسیله‌ی آن کالای بیشتر و اقلام متنوع‌تری را خریداری کنند. درست مانند خانواده‌هایی که تعداد

۳۰. صفحه ۲۷ کتاب اخیر الذکر.

اتومبیل بیشتری در مقایسه با دیگران دارند یا تعداد مسافرت‌های آنان در مقایسه با دیگران بیشتر است و بیشتر از مزایای بزرگراه استفاده می‌کنند. همانطور که همه‌ی افراد جامعه (از نظر تأمین منابع مالی و عوامل تولید) در ساختن بزرگراه شریکند، به همان صورت در به وجود آوردن پول نیز صاحب سهمند. زیرا در واقع (البته باید چنین باشد، همچنان که در جوامعی که اقتصاد آنها مبتنی بر تولیدات می‌باشد چنین است) تولید این گونه کالاهاست که موجب پول است. در مثال اخیر و در این گونه جوامع هرکس به استناد آنکه تولید بیشتری داشته و در نتیجه اتومبیل بیشتری تهیه کرده و یا تعداد دفعاتی که از بزرگراه استفاده می‌کند، بیشتر از این «کالا» ی عمومی بهره‌مند می‌شود. در چنین کشورهایی اگر سیستم شایستگی (از نظر قدرت تولید PRODUCTIVITY) حاکم باشد هرکس تولید بیشتر دارد درآمد بیشتری (از طریق تحصیل پول بیشتر) به او تعلق خواهد گرفت.

بنابراین می‌توان از دیدگاه اقتصاد اسلامی پول را یک «کالا» ی عمومی با تمام آثار خارجی (EXTERNALITY) مترتب بر آن تلقی کرد. نکته‌ی مهمی در اینجا وجود دارد که ترجیح داده شد تحت عنوان کنز پول و به صورت زیر مطرح شود.

۲-۱-۲. کنز کردن پول: وجه مشترک دیگری نیز از جنبه‌ی حقوقی بین کالاهای عمومی فیزیکی و پول وجود دارد و آن این است:

همانطور که دارنده‌ی یک اتومبیل نمی‌تواند دیگران را از استفاده‌ی منافع بزرگراه (یعنی عبور از آن) منع کند، مثلاً برای اتومبیل خود در آن پارکینگ احداث کرده و یا بیش از حد مجاز در آن توقف نماید، به همین ترتیب در اقتصاد اسلامی نیز بر اساس آیه‌ی صریح قرآن کریم نگهداری و کنز پول شدیداً نهی شده است.^{۳۱} زیرا وظیفه‌ی ای که برای پول در اسلام در نظر گرفته شده وظیفه‌ی ای گذرا است، یعنی وظیفه‌ی وسیله‌ی مبادله بودن، نه آنکه خود به صورت یک انبار (همان کالا) درآید. همان طور که بزرگراه وسیله‌ی ای برای رفت و آمد مسافری است و حقوق اجتماعی، چنین حقی را به افراد نمی‌دهد که بزرگراه را به اصطلاح «کنز» کنند. «کنز» بزرگراه به این معنی است که این وسیله‌ی رفت و آمد به صورت هدف و مقصد درآمده و افراد به جای استفاده و عبور از آن در آن توقف بیجا کنند. در صورتی که در نظام سرمایه‌داری هم کنز پول جایز است و هم کنز کالاهای فیزیکی (البته کالاهای خصوصی). ولی در اسلام نگهداری پول مشمول تحریم یا کنز پول است و نگهداری کالاهای فیزیکی در مواردی مشمول تحریم احتکار خواهد شد.^{۳۲}

۳۱. سوره توبه آیه ۳۴.

۳۲. به کتاب دکتر کاظم صدر (۱۳۶۴) مراجعه نمایند.

۲-۲. وظایف پول از دیدگاه حقوقی: از سه وظیفه‌ای که اقتصاددانان غربی برای پول قایل شده‌اند، یعنی وسیله‌ی مبادله بودن، معیار سنجش ارزشهای اقتصادی (واحد محاسباتی) و بالاخره ذخیره‌ی ارزش بودن، دو وظیفه‌ی اول از جمله وظایف جهانی برای پول است که بشر اولیه نیز در عین ابداع یکی از عجایب جهان یعنی پول و استعانت از فطرت دست نخورده‌ی خود، این دو وظیفه را برای آن قایل بود. شگفت‌انگیز است که علیرغم دیدگاه‌های متفاوت حقوقی دو نظام سرمایه‌داری و اسلام، اقتصاددان مسلمانان چون دکتر نجات‌الله صدیقی در مورد وظیفه‌ی سوم پول در اقتصاد اسلامی اظهار کند که در یک اقتصاد پولی نمی‌توان نقش پول را به عنوان ذخیره‌ی ارزش، از آن گرفت.^{۳۳}

اقتصاددانان غربی، پول را به نحوی که مثالهایی از آنها ذکر شد در مدل‌های خود آورده‌اند. تلقی این اقتصاددانان آن است که پول هم یک نوع کالا است و آنهم یک کالای خصوصی.^{۳۴} همچنان که در مورد پنبج مجموعه کالای سرمایه‌ای و اوراق قرضه را با یکدیگر جمع کرده و قیمت آن را نرخ بهره

می‌دانند. برای آنها نرخ بهره قیمت پول و همچنین نرخ بازدهی به اوراق قرضه و کالاهای تولیدی است. به عبارت دیگر از نظر آنها پول و سرمایه (کالای سرمایه‌ای) هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارد، زیرا از یک طرف همانطور که کالای سرمایه‌ای را ذخیره‌ی ارزش می‌دانند^{۳۵} پول را نیز ذخیره‌ی ارزش می‌شمارند و از طرف دیگر وقتی سرمایه را زاییده‌ی زمان می‌دانند^{۳۶} برای کالا نیز تعریف می‌کنند که زمان عامل تعیین‌کننده‌ی آن است.^{۳۷} وظیفه‌ای که نظام سرمایه‌داری برای پول قایل است و این کالا (در اصطلاح خودشان) قابل کنز کردن است و نرخ بهره به آن تعلق می‌گیرد و این نرخ همان نرخ است که به کالاهای سرمایه‌ای نیز تعلق می‌گیرد، این دو (یعنی پول و سرمایه) را غیرتفکیک از یکدیگر می‌گرداند. به عبارت دیگر این دو کالا صددرصد جانشین یکدیگرند که منحنی بی تفاوتی آنها یک خط مستقیم است.

۲-۲-۱. تعریف کالا از دیدگاه حقوقی: حال ببینیم تعریفی که اسلام از «کالا» می‌کند و در اصطلاح فقهی به آن «مال» می‌گویند

۳۳. صفحه ۲۷ کتاب محمد عارف سال (۱۹۸۲)

۳۴. گرچه تمام اقتصاددانان غربی سعی کرده‌اند با تحمیل خصوصیات ویژه برای پول آن را مصنوعاً تبدیل به کالا (مانند سایر کالاهای خصوصی و متعارف) بنمایند ولی نسبت به وارد کردن آن در تابع مطلوبیت بملت ذات واقعی پول و وظایف اساسی آن که آن را به حق و درستی از کالا جدا می‌کند توافق نظر وجود ندارد بعنوان مثال به صفحات ۱۷۷-۱۷۴ کتاب هندرسن - کوانت (۱۹۷۱) مراجعه نمایید.

۳۵. صفحه ۶ کتاب سی. جی. بلیس (۱۹۷۵).

۳۶. صفحه ۷ کتاب اخیر الذکر.

۳۷. صفحات ۲۶-۲۵ کتاب دی. فیشر (۱۹۷۷).

و پول را نه به خاطر خودش بلکه به خاطر آنچه که توانایی خرید آن را دارد وارد تابع مطلوبیت می‌کند که همان حاکی است نه واقعیت.

۲-۲-۲. ارزش پول از دیدگاه حقوقی - در این

قسمت سعی می‌شود تمرکز بحث را به

اسکناس بدهیم، سپس در مورد پولهایی

که خود دارای ارزش ذاتی (USE-

VALUE) بودند و طی زمان جای خود

را به کاغذهایی دادند که امروزه به نام

اسکناس در دست مردم است و ارزش

ذاتی آنها (همچنانکه ذکر شد) تقریباً

قابل چشم‌پوشی است سخن بگوییم.

اسکناسهای رایج در دست مردم شرایط

لازم برای مال بودن را دارا نیست. زیرا

اسکناسهای موجود، جنبه‌ی مالی (همان

ارزش اقتصادی) را ندارد بلکه چون حاکی

از وجود مال می‌باشد در جامعه موجود است

و قابلیت مبادله را یافته است. ویژگی

اخیر (یعنی وسیله‌ی مبادله بودن) دلیل

مال بودن آنها نیست، زیرا به عنوان مثال

اوراق قرضه‌ی دولتی و یا دستورپرداخت

شهرداریها و نظایر آن حاکی از

بستانکاری است و خود اوراق مال

نیستند، بلکه مطالباتی که در این اوراق

نوشته شده، مال است. بنابراین، این

پرسش به طور طبیعی مطرح می‌شود که

آیا اسکناسهای موجود نزد مردم از نظر

چیست؟ در اصطلاح حقوق اسلامی، مال

هر چیزی یا امری است که دارای عناصر زیر

باشد.^{۳۸} بطوری که هریک از این عناصر

موجود نباشد به آن عنصر مال اتلاق

نمی‌شود:

۱- امکان اختصاص به شخص (حقیقی یا

حقوقی) را داشته باشد.

۲- قابل نقل و انتقال باشد.

۳- نفع داشته باشد یعنی دارای ارزش اقتصادی

باشد (در اینجا لازم می‌داند که تأیید شارع

مقدس را در نفع داشتن مال تأکید کنیم).

۴- منفعت آن عقلایی (نه لزوماً عقلانی) باشد.

۵- حاکی نباشد، یعنی خودش اصالت داشته

باشد. در این صورت هرچه که حاکی از

واقعیتی باشد آن واقعیت مال است نه آن

حاکی.

در اقتصاد سرمایه‌داری که به عنوان مثال از مدل

پاتینکین ذکر می‌شود، پول به عنوان یکی از

متغیرهای تابع مطلوبیت ظاهر شده است. علت

حضور این متغیر را نامبرده نه به خاطر مطلوبیتی که

مستقیماً دارد و نه به خاطر مطلوبیتی که مربوط به

خرج کردن پول است می‌داند، بلکه به خاطر

مطلوبیتی است که «نگهداری» پول دارد.

ملاحظه می‌شود که این اقتصاددانان از حاکی

صحبت نمی‌کنند بلکه از مشتق آن یعنی

«نگهداری» پول سخن می‌گویند. در حالی که

ساموئلسون قدری ملایم‌تر از پاتینکین^{۳۹} عمل کرده

۳۸. صفحات ۴۴-۳۷ کتاب دکتر جعفر لنگرودی (۱۳۵۷).

۳۹. مقاله‌ی دی. پاتینکین (۱۹۶۸).

حقوقی (فقهی) سندی اعتباری، یا حواله است؟ اسکناس به هریک از دو صورت که تعبیر شود آثار متفاوتی بر آن مترتب خواهد شد. به این معنی که اگر اسکناس یک سند اعتباری به حساب آید که بنا به اعتبار دولت مورد قبول مردم باشد در حقیقت هر اندازه طلا و یا جواهر و یا اسعار خارجی به عنوان پشتوانه ی اسکناس موجود باشد این اعتبار به تعداد واحدهای اسکناسهای منتشره تقسیم نخواهد شد و نباید نگران درصد پشتوانه بود، زیرا اعتبار امر کیفی و قابل تقسیم به اجزا نیست. حال اگر اسکناس را یک حواله بدانیم (حواله ای که به اعتبار طلا یا جواهر و یا اسعار خارجی صادر شده است) ارزش اسکناس به لحاظ مقدار پشتوانه ای که وجود دارد ارزش می یابد. یعنی آن پشتوانه به اجزائی که به صورت اسکناس در دست مردم قرار می گیرد تقسیم می شود و مردم باید نگران درصد پشتوانه باشند. در این حالت پشتوانه باید صد درصد باشد تا ارزش اجزای اسکناس از نظر ارزش با ارزش پشتوانه مطابقت داشته باشد.

شهید مطهری ضمن اشاره به نظرات امام محمد غزالی می گوید:

«خود پول دارای ارزش واقعی نیست و اگر ارزش واقعی می داشت نمی توانست نقش

پولی خود را بازی کند و مانند سایر کالاها می شد که حسب اشخاص متفاوت بود، قیمتش بالا و پایین می رفت. ذخیره کردن پول و همچنین ربا گرفتن از پول به این معنی است که انسان پول را مطلوب بالذات خود قرار داده است».

ایشان ایرادی که به امام غزالی می گیرد، این است که می گوید:

«او فرض کرده که در ربا پول مطلوب بالذات است».

در اینجا سه نکته لازم به توضیح دارد: اول آنکه اگر ایشان نظر غزالی را پذیرفته باشد یعنی اینکه «خود پول دارای ارزش واقعی نیست» این خود به این معنی است که پول ذخیره ی ارزش نیست. دوم آنکه معلوم نیست نظر غزالی در مورد دینار و درهم که خود دارای ارزش واقعی هستند چیست؟ سوم آنکه معلوم نیست نظر واقعی غزالی این باشد که «در ربا پول مطلوب بالذات است». این برداشت آن شهید است، البته برای ما نیز معلوم نیست، ولی در بخش دیگر توضیح داده شده که به چه دلیل پول در نظام سرمایه داری تبدیل به کالا (همان ذخیره ی ارزش) شده است.

۲-۳. «قیمت» پول و وسیله ی ذخیره ی ارزش بودن - آنچه که در زیر بخش فوق در مورد ارزش پول ذکر شد مربوط به ارزش اسمی اسکناس بود ولی در اینجا همانطور که قیمت در داخل گیومه گذارده شده است، درصد آئیم که

سیستم اقتصاد سرمایه‌ای است که در آن پول تبدیل به کالا شده است. ضرورت دارد که در این مورد توضیح بیشتر داده شود.

شهید مطهری در بحث پول، ارزش آن را در مبادله به شمار می‌آورد در حالی که کالاها را دارای ارزش واقعی می‌دانند^{۴۱}. ایشان با ظرافت خاص خود بین ربا و اجاره فرق قایل شده‌اند و پول را غیر قابل اجاره دادن می‌دانند^{۴۲} و دلیلی که می‌آورند آن است که پول از آن جهت غیر قابل اجاره است که مانند میوه با بقایش قابل استفاده نیست. چیزی که هست میوه با مصرف قابل استفاده است و پول با گردش. از این روست که ایشان به درستی عقیده دارند^{۴۳} که به غلط ربا را اجاره‌ی پول دانسته‌اند. در ادامه‌ی این مباحث اعلام می‌کنند که پول بالقوه همه چیز هست و بالفعل هیچ چیز نیست چون حتی مثل میوه‌ی قریب الفساد هم که هرچند قابل استغلال هست ولی قابل خوردن نیست نمی‌باشد... پول رابط میان کالاها است... پول از آن جهت که پول است فقط قابلیت دارد که تبدیل شود به متاع دیگر و همین جهت ملاک ارزش پول است و به اصطلاح ارزش پول در سلسله‌ی معلولات مبادله است برخلاف ارزش کالاها که در سلسله‌ی علل مبادلات است^{۴۴}.

این شهید بدرستی (همچنانکه در مقاله‌ی نگارنده صورت گرفت)^{۴۵} پول را از سرمایه جدا

بیابیم آیا پول نیز مانند سایر کالاها غیر از ارزش اسمی خود ارزش دیگری هم دارد که بتوان به آن «قیمت» اتلاق کرد؟

با عنایت به اختلاف بین دو سند اعتباری و حواله، اختلاف نظر فقها در این است که اگر اسکناس یک حواله است می‌توان حواله را با قیمت‌های متفاوت خرید و فروش کرد و مبلغ اضافی (مابه‌التفات قیمت فروش از قیمت خرید) ربا محسوب نمی‌شود، ولی در صورتی که اسکناس یک سند اعتباری باشد خرید و فروش آن به قیمت‌های متفاوت جایز نیست و اختلاف قیمت فروش از قیمت خرید ربا محسوب می‌شود. از آنجا که اسکناس‌های رایج در دست مردم یک سند اعتباری است و به موجب قانون موجب برائت ذمه می‌شود نمی‌توان آن را با قیمت متفاوت خرید و فروش کرد. به عبارت دیگر این اسکناسها کالا نیستند که «تاجر» بتواند آن را به قیمتی متفاوت از قیمت خرید بفروشد. ممکن است ایراد گرفته شود چرا عمل صرافها در خرید و فروش اسعار خارجی از نظر فقهی بلامانع قلمداد شده است؟ لازم است در پاسخ (البته از نظر اقتصادی نه فقهی که اینجانب صلاحیت آن را ندارم) یادآوری کنیم که تمام اسعار خارجی که صرافها به خرید و فروش آن مبادرت می‌کنند مربوط به کشورهایی با

۴۱. صفحه‌ی ۱۲۸ کتاب ربا- بانک- بیمه سال (۱۳۶۴).

۴۲. صفحه‌ی ۱۳۱ همان کتاب.

۴۳. صفحه‌ی ۲۶ همان کتاب.

۴۴. صفحه‌ی ۱۷۳ همان کتاب.

۴۵. به مقاله‌ی نویسنده کتاب (۱۳۵۸) مراجعه شود.

می‌داند و در بحث پول و نفی ربا از قرض صحبت می‌کند. در کتابشان آمده است^{۴۶} که اگر انسان پولش را تبدیل به دین کرد یعنی آن را به قرض داد در این صورت مالیک عین مقترض است و مقترض مالیک دین است یعنی مالیک یک امر اعتباری و قراردادی. طبیعت قرض این است که انسان پول را... مملوک خودش را از عینیت خارج می‌کند و به آن ذهنیت و اعتباریت می‌دهد و وجود اعتباری به آن می‌دهد. خاصیت وجود اعتباری یکی این است که تلف و زیان در آن معنی ندارد.^{۴۷} اینکه کسی چیزی را قرض بدهد و بعد سود آنچه را که در ذمه‌ی طرف است بخواهد اساساً غلط است. سود متعلق به عین است و عین هم متعلق به مقترض است. در مضاربه سرمایه از ملک صاحب سرمایه خارج نشده و ملک او در جریان است. اگر سود دارد در سود سهام و اگر زیان دارد متوجه اوست و به عامل مربوط نیست.^{۴۸} در این عقد (به عقیده‌ی ایشان) سرمایه کار را استخدام نکرده بلکه کار سرمایه را آلت و ابزاری برای کار خود قرار داده است.^{۴۹} وی در پاسخ این پرسش که آیا سرمایه تولید سود می‌کند، عنوان می‌کند که خود سرمایه یک ابزار است و اگر در جریان باشد کار می‌کند ولی آیا وجود عینی سرمایه کار می‌کند یا وجود ذهنی و اعتباری آن؟ جواب می‌دهد مسلم

است که وجود عینی آن است که کار می‌کند.^{۵۰} با توجه به نکات فوق و از دیدگاه حقوقی می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اولاً بهره (همان ربا) بازدهی به سرمایه نیست، بلکه به پول است. زیرا صاحب پول در قرض دادن به آن وجود اعتباری بخشیده که در آن تلف شدن و زیان راهی ندارد، در حالی که سرمایه در معرض زیان و از بین رفتن است. از سوی دیگر آنکه در عقدی مانند مضاربه که ظاهراً پول از یک طرف به طرف دیگر (عامل) داده می‌شود به محض ورود در جریان مضاربه (بر اساس عقد مربوط) به سرمایه تبدیل می‌شود و از این روست که بازدهی به آن تعلق می‌گیرد. در اینجا سرمایه با عامل کار ترکیب می‌شود و تولید حاصله که همان تجارت باشد به تعبیری ایجاد مطلوبیت بیشتر و به تعبیری دیگر کارایی را (از نظر صرفه‌جویی در وقت) افزایش می‌دهد و از این جهت است که تجارت نیز کار تولیدی به حساب می‌آید و سرمایه از نتیجه‌ی آن منتفع می‌شود. ضمناً در اقتصاد اسلامی سه بازار وجود خواهد داشت که عبارت خواهند بود از:

۱- بازار کالاهای مصرفی (CONSUMER

GOODS)

۲- بازار کالاهای سرمایه‌ای (CAPITAL

GOODS)

۴۶. صفحه‌ی ۴۷ همان کتاب.

۴۷. مانند اسکناس موجود در دست مردم که با گم شدن آن یا سوختن مقداری از آن از دین بانک به مردم کاسته نمی‌شود و یا مانند سند مالکیت یک منزل که اگر گم شود سند مالکیت گم شده است ولی عین ملک کماکان به قوت خود باقی است.

۴۸. همان کتاب، ص ۱۰۸.

۴۹. همان کتاب، ص ۳۳.

۵۰. همان کتاب، ص ۴۶.

۳- بازار خدمت نیروی انسانی (LABOR SERVICES)

برای بازارهای سه گانه فوق به ترتیب سطح عمومی قیمت‌ها - نرخ بازدهی به سرمایه و بالاخره دستمزد به دست می‌آید. با استفاده از بازار نوع دوم، بازار اوراق سهام (نه قرضه) به وجود خواهد آمد که تحت موازین اسلامی اطلاعات دقیق در مورد نرخ بازگشت به سرمایه برای تصمیم در مورد سرمایه‌گذاری در اختیار سرمایه‌گذاران بالقوه قرار خواهد گرفت. بدیهی است که این بازار صرفاً برای فروش و مبادله اوراق بهادار (سهام مؤسسات نو بنیاد و آنها که قبلاً تأسیس شده‌اند) فعالیت خواهد کرد. سفته بازی و احتکار در این بازار نیز جایز نیست. آنچه که علت مبادله‌ی این اوراق محسوب می‌شود نرخ واقعی بازگشت به سرمایه است که در نظام اسلامی علی القاعده کلیه‌ی سپرده‌ها به طور مشاع در به وجود آوردن آن سهم هستند.

۲-۲-۴. موقعیت پول در ارتباط با کالاها از دیدگاه حقوقی - همان طور که قبلاً در پاروئی ذکر شد اگر فرض شود در جامعه‌ای تعداد (N) کالا وجود داشته باشد تا قبل از آنکه یکی از این کالاها نقش پول را بازی کند لازم است تعداد $N(\frac{N-1}{2})$ نرخ مبادله توسط افراد آن جامعه مشخص شود. حال اگر یکی از این کالاها (مثلاً کالای ان - ام) نقش پول را بازی کند فقط تعداد (N - 1) قیمت مورد نیاز افراد آن جامعه است، زیرا قیمت کالای (ان - ام) که در این

مثال تبدیل به پول شده است برابر واحد است و قیمت (1 - N) کالا بر حسب وظیفه واحد محاسباتی پول با آن سنجیده می‌شود. نکته‌ی حقوقی آن است که قبل از تبدیل کالای (ان - ام) به پول تمام (N) کالا در سطح اقتصاد کلان همگی در یک ردیف (یک سطح) قرار داشتند. در صورتی که در حالت بعدی که افراد آن جامعه تصمیم گرفتند کالای (ان - ام) را به پول تبدیل کنند، این مردم از نظر حقوقی برای این کالای بخصوص جای خاصی قایل شدند. به عبارت دیگر از یک طرف کالای (ان - ام) فصل مشترک (1 - N) کالا شده است و از طرف دیگر آن کالا هم ردیف (1 - N) کالای موجود نیست، بلکه موقعیت خاصی یافته است. این موقعیت خاص همانا تبدیل کالا به چیز دیگری است (غیر از کالا) به نام «پول». ممکن است پرسیده شود این چه استدلالی است که از یک طرف گفته می‌شود یکی از «کالاها» به صورت پول در می‌آید و از طرف دیگر وقتی همین «کالا» تبدیل به «پول» می‌شود از جرگه‌ی کالا بودن طرد می‌شود. نکته‌ی حساس و تعیین کننده‌ی این مقاله همین است که به این انتقاد از دیدگاه حقوقی پاسخ داده شود. ممکن است گفته شود در این استدلال تناقض وجود دارد، ولی به هیچ وجه در آن تناقضی وجود ندارد، بلکه یک منطق

قوی است که ابزار مورد استفاده مربوط به جنبه‌ی حقوقی کالا و پول و ارتباط آنها با یکدیگر است. برای پاسخ به این پرسش می‌توان ابتدا از تمثیل شروع کرد. به این ترتیب که اگر اداره‌ای را با (N) کارمند در نظر بگیریم که همگی همسطح و در یک ردیف باشند ولی به دلیلی (که ارتباط با استدلال در این بحث ندارد مثلاً انتخاب و رأی (N-1) کارمند یا حکمی که از طرف مقامات بالا صادر شده باشد) یکی از آنها به ریاست آن اداره برگزیده می‌شود. حال آیا می‌توان پذیرفت که وظایف این (N) کارمند همگی مانند گذشته است و هیچ تغییری در آن حاصل نشده است؟ مسلماً پاسخ، منفی است. زیرا یکی از آنها پس از برگزیده شدن وظیفه‌ای غیر از دیگران به عهده دارد. مضافاً آنکه کار (N-1) کارمند موجود به وسیله‌ی رئیس مربوطه مورد قضاوت و سنجش قرار می‌گیرد. قدری این مثال را به پیش می‌بریم. این رئیس قبلاً یک کارمند عادی بوده، ولی حالا رئیس شده است، یعنی روابط او با کارمندانش با گذشته تغییر کرده و دیگر وظایف قبلی را به عهده ندارد. این فرد علاوه بر رئیس بودن ممکن است ازدواج هم کرده باشد و از نظر حقوقی شوهر همسر خودش است.

ممکن است صاحب اولاد نیز باشد که در این صورت از نظر قوانین کشوری حقوقی نیز برای او به عنوان پدر در مقابل فرزندش قایل شده باشد. به علاوه این فرد، فرزندپدر و مادر خویش است و نسبت به آنها نیز از نظر حقوقی (شرعاً و عرفاً) ملزم به ایفای نقش خاصی است. پس ملاحظه می‌شود که یک فرد می‌تواند از نظر حقوقی جنبه‌های متفاوتی داشته باشد، بطوری که قوانین خاص بر چنین جنبه‌هایی حاکم باشد بدون آنکه تناقضی در این امر بتوان پیدا کرد. موضوع در مورد اموال نیز از نظر حقوق اسلامی چنین است. یعنی شارع مقدس برای اموال، حقوقی تعیین کرده که هر کدام در جای خود محترم بوده و اموال حسب نوع حقوقی که به موجب قراردادها (عقود) به آنها تعلق می‌گیرد وظایف خاصی پیدا می‌کنند.^{۵۱}

به عنوان مثال پول یعنی همین اسکناسی که به موجب بحث فوق یک سند اعتباری است و اسلام قیمتی که همان بهره باشد برای آن قایل نیست، به محض آنکه به موجب عقد مضاربه با عامل کار توأم شود بلافاصله (از نظر حقوقی) تبدیل به سرمایه شده و اسلام بازگشتی برای آن قایل می‌شود که باید ضمن تنظیم عقد سهم آن در مقایسه با عامل کار مشخص شده باشد (حال اگر نتیجه مضاربه متضمن زیان شد امر دیگری است و به بحث ارتباط ندارد).

با توجه به مطالب قبل و بازگشت به مسأله

۵۱. به کتاب حقوق اموال - دکتر جعفر لنگرودی سال ۱۳۵۷) مراجعه شود.

آن) دارای ارزش است و نقشی بیش از حواله می‌تواند بازی کند را نیز نمی‌توان با اختلاف قیمت، خرید و فروش کرد. این به آن علت است که شرع مقدس با ظرافت و حساسیت خاصی به پول و نقش آن در جامعه اقتصادی توجه کرده و به استنباط نویسنده نخواستہ آن را در ردیف سایر کالاها قرار دهد. از این روست که نمی‌توان آن را به عنوان یک قلم دارایی قلمداد کرد بلکه نماینده اقسام دارایی است و در نتیجه نمی‌توان آن را ذخیره ارزش به شمار آورد. زیرا وجود آن مستقل از وجود کالاها نیست و فقط به علت وجود کالاهاست که موجودیت آن قابل توجیه است. حداکثر مطلبی که می‌توان گفت آن است که پول می‌تواند وسیله‌ی ذخیره‌ی ارزش (یعنی قابل تبدیل به کالا) قرار گیرد.

در خاتمه این بحث لازم می‌داند در مورد اینکه به چه دلایلی پول در اقتصاد سرمایه‌داری به صورت کالا یعنی یکی از اقسام دارایی و در نتیجه ذخیره‌ی ارزش درآمده است توضیح مختصری داده شود. این دلایل عبارتند از:

الف - تعیین نرخ بهره برای آن
ب - برون‌زا تلقی کردن آن و در نتیجه تقسیم اقتصاد کشور به دو بخش پولی و واقعی که به طور غیرمستقیم با یکدیگر ارتباط دارند.

ج - مجاز شمردن کنز آن

د - جایز دانستن احتکار و سفته بازی با آن
بدیهی است هر چهار عنصر مجتمعاً پول را به صورت یک کالا در آورده است نه عواملی از این چهار عامل. زیرا این چهار عنصر پیوند ناگسستنی با یکدیگر دارند و یکی و جوب دیگری را به وجود

حقوقی در مورد پول و کالا لازم است توضیح داده شود که نباید تصور شود بحث مربوط به ارزش و قیمت پول صرفاً در مورد اسکناسهای رایج در دست مردم مصداق دارد بلکه نسبت به پولی که خود ذاتاً دارای ارزش نیز هست همین موضوع صحیح است. به این معنی که حتی اگر پول خود، ذاتاً دارای ارزش یعنی چیزی بیش از یک حواله باشد از نظر حقوق اسلامی نمی‌توان بدون آنکه با کار ترکیب شده و یا بدون آنکه با کالا مبادله شود بازگشتی برای آن قایل شد. در قرآن کریم نسبت به همان دینار و درهمی که در صدر اسلام به عنوان پول مورد استفاده مسلمین بود، در مورد اختلاف قیمت خرید و فروش آن (همان ربا) آیه تحریم ربا نازل شده است چه رسد به پولهای کاغذی که ارزش ذاتی ناچیزی دارند. این از جمله نکات بسیار ظریف و حساس بحث این مقاله است. تشابه این موضوع با مثال (N) کارمند در این است که در اینجا طلا و نقره تا زمانی که به صورت شمش هستند و یا تبدیل به وسایل زینتی شده‌اند خود کالا هستند ولی به محض آنکه از حالت شمش و یا کالاهای زینتی درآمده و فقط به علت ذوب و نقش جدیدی که روی آن ضرب می‌شود تبدیل به پول شود، از نظر حقوقی از جرگه کالاها خارج شده تبدیل به پول می‌شود. به همین ترتیب اگر قسمتی از دینار و درهم در جریان در دست مردم اگر تبدیل به شمش طلا و نقره شود همین قسمت از پول رایج از نظر حقوقی موقعیت متفاوتی پیدا کرده و سمت پول بودن را از دست داده تبدیل به کالا خواهد شد.

بنابراین همان طور که در مورد دینار و درهم ذکر شد علیرغم آنکه ذات پول (طلا و نقره محتوای

برامور اقتصادی مؤثر باشد می بایستی برونزا (EXOGENEOUS) بوده و به وسیله‌ی مقامات پولی و از طریق ضرب پول قوی (HIGH - POWERED) صورت پذیرد. از طرف دیگر چنین گفته شده است که اگر مقامات تصمیم گیرنده‌ی مسائل پولی درصدد کنترل پایه‌ی پولی (MONETARY BASE) یعنی ذخایر سیستم بانکی نباشند، به این نتیجه می‌رسیم که پول دارای اهمیت نیست و در چنین حالت تقاضا برای پول در داخل سیستم تعیین می‌شود.

گرچه نظارت افراطی همچنان بیشترین مقالات و بحثها را به خود اختصاص داده ولی نمی‌توان از اهمیت بحثها که در آن پول رابه‌عنوان یک انباره‌ی به وجود آورنده‌ی عدم تعادل معرفی کرده‌اند^{۵۲} صرفنظر نمود. در چنین مدلی نشان داده شده اگر عرضه‌ی پول به طور درون‌زا تعیین شود آثار قابل توجهی بر روی اقتصاد خواهد داشت. به علاوه در این مدلها و مدلهایی که بعداً در همین زمینه مطرح می‌شوند رابطه‌ی مستقیمی بین تقاضا و عرضه برای امور مالی وجود دارد که پول خلق می‌کند. لازم به یادآوری است که اکثر تحلیل‌های پولی فقط بر روی یک قسمت از ترانزنامه‌ی بانکها تکیه می‌کنند، در حالی که متخصصین امور پولی بر روی سپرده‌های بانکی تأکید دارند و توجه اندکی به اعتبارات بانکی دارند.^{۵۳}

می‌آورد. براین اساس است که اگر اغراق تلقی! نشود پول در این نظام به صورت وکیلی درآمده که بیش از موکلین خود (کالاها) دارای حق است. در حالی که در نظام اسلامی حسب آنکه اقتصاد جامعه قدرت جذب چه حجم پول را داشته باشد و در نتیجه براساس نیاز بخش واقعی (و حذف بخش پولی) مقدار آن تعیین می‌شود (به عقود اسلامی به کار گرفته شده در قانون عملیات بانکی بدون ربا مراجعه شود) و در نتیجه به صورت یک متغیر درون‌زا در می‌آید. مضافاً اینکه تحریم شدید کنز طلا و نقره که عمدتاً به صورت پول (دینار و درهم) رواج داشته است بروشنی وظیفه‌ی روانه‌ای بودن پول در اقتصاد اسلامی و به منظور وسیله‌ی مبادله بودن و واحد محاسباتی بودن آن را مشخص می‌کند.

۳- خلاصه و نتیجه گیری

نتایج حاصل از این مقاله دو گونه است: نخست آنچه در ورای مباحث این مقاله مطرح است و دوم نتایجی که مستقیماً از مباحث این مقاله حاصل می‌شود که ذیلاً به آنها می‌پردازیم:

۱-۳ نتایج نوع اول - از حدود سالهای ۱۹۴۵ بحث زیادی بر روی نقش پول در اقتصاد جامعه توسط اقتصاددانان صورت پذیرفته است. بیشتر این مباحث نسبت به آنچه که امکان تحقق داشته جنبه افراطی دارد. از یک طرف بحث در آن است که اگر قرار است پول

۵۲. مانند مقاله اچ. جانسون (۱۹۷۶).

۵۳. به کتاب آر. کالگن (۱۹۸۱) مراجعه شود.

آنچه در تمام مباحث اقتصاد کلان نظام سرمایه داری صورت پذیرفته تمایل شدیدی است که محققین و اقتصاددانان نسبت به تقسیم کردن اقتصاد جامعه به دو بخش نشان داده اند: یکی بخش واقعی (REAL) و دیگری بخش پولی (MONETARY). براین اساس این افراد مدل‌های جداگانه برای هر یک از دو بخش به وجود آورده و سعی می‌کنند در مراحل بعدی این دو را بهم پیوند بزنند، ولی معلوم نیست در این کار تا چه حد موفق بوده‌اند. درچنین برخوردی با مسائل اقتصادی به نقش پول بیشتر از دید تحلیل پورتفولیوی ثروت توجه می‌شود تا به عنوان یک وسیله مبادله و پرداخت و در نتیجه تجریدی از مشخصات مهم پول است که باید به آن توجه شود. می‌دانیم که پول و بازارپولی در اقتصاد سرمایه داری دستخوش سفته بازیها و احتکارهایی است که نتیجه‌ی حاصل از آن نرخ بهره است و تعیین کننده‌ی ارزش اوراق قرضه می‌شود. در تقسیم بندی اقتصاد سرمایه داری به دو بخشی که فوقاً اشاره شد، نرخ بهره به اشتباه همان نرخ بازدهی به سرمایه تلقی می‌شود در حالی که می‌دانیم اولی در بازارپولی تعیین شده و دیگری در بخش واقعی، در حالی که ارتباط منطقی بین آن دو وجود ندارد، زیرا بهره یک مفهوم EX-ANTE بوده و نرخ بازدهی به سرمایه مفهوم EX-POST. اما اولی به طرز غیرمستقیم دیگری را متأثر می‌کند.^{۵۴}

اشتباه اساسی که در این نظام رخ داده و موجب بروز مباحث متناقض و گاهی نافی یکدیگر شده از مباحث حقوقی نشأت می‌گیرد. به این معنی که به معانی حقوقی اصطلاحات و متغیرهای اقتصادی نظیر پول، سرمایه، درآمد، بهره، اجاره، قیمت، منفعت، ثروت، دارایی و... توجه کافی مبذول نشده است. مشکلات موجود به حدی رسیده که بحث سرمایه (با اذعان به پیچیدگی مباحث آن) از جمله موضوعات حل نشده در آمده است.^{۵۵}

علت توفیق علامه‌ی شهید سید محمدباقر صدر در آنچه که در دو جلد کتاب «اقتصاد ما» انجام داده‌اند در حقیقت تکیه بر همین مبانی حقوقی در سه سیستم سرمایه داری، کمونیسم (و سوسیالیسم) و اسلام است. وی با اتکا به همین مبانی حقوقی توانسته، تناقضهای دو نظام سرمایه داری و کمونیسم را در کمال استادی نشان دهد. همین روش نیز مورد استفاده‌ی شهید مرتضی مطهری در مورد پول و ربا بوده است.

بحث مربوط به پول خواه ناخواه فرد را به مباحث تئوری سرمایه می‌کشاند. در این تئوری که وجوه مختلفی مانند تعریف، بازدهی و رابطه‌ی آن با سایر مفاهیم مشتق شده از پول یا مال مورد بررسی قرار می‌گیرد، به طور طبیعی به مسائل ایدئولوژی برمی‌گردد. نمونه‌ی روشن آن، کتاب سرمایه مارکس است که سالها پس از تدوین و انتشار بالاخره نظر اقتصاددانان غربی را به خود

۵۴. به مقاله‌ی نویسنده در مجله‌ی تحقیقات اقتصادی شماره ۴۰ سال (۱۳۶۷) مراجعه شود.

۵۵. در اینجا فقط به ذکر دو نمونه اکتفا می‌شود، یکی در مورد مفهوم کالای سرمایه‌ای و تغییر تکنولوژی به عنوان عوامل تولید در چارچوب مدل والراس یا نئوکلاسیکها که نشان داده شده موضوعی تهی و بی محتوا است (صفحه‌ی ۳ کتاب ت. کی. رایمز (۱۹۷۱) ویا آنکه آر. ام. سلو در کتاب خود (۱۹۶۳) پیشنهاد استفاده از نرخ بازدهی به سرمایه را می‌دهد.

متضمن فواید بسیاری است که از جمله اینکه محقق را در برخورد با مسائل اقتصادی که نوعاً جنبه‌ی ایدئولوژیکی دارند و نمی‌توانند مستقل از آن دوام بیاورند کمک بسیار نموده او را بالقوه از لغزش و اشتباه بازمی‌دارد. به عبارت دیگر یک اقتصاددان محقق که با عینک حقوقی مکتب فیاض اسلام به این مسائل می‌نگرد آنها را روشنتر و با ارتباط منطقی در جلو چشم خود مجسم می‌نماید. (البته ممکن است نگارنده جزو این گروه نباشد ولی انتظار از این افراد چنین است).
اینکه گفته می‌شود: در اقتصاد اسلامی انسان مخدوم و ماشین (سرمایه) خادم است^{۵۸} یک شعار اقتصادی بی‌محتوا نیست و یا اینکه اگر گفته شود هیچ عملی جز کسب رضای خدای تبارک و تعالی نمی‌تواند هدف یک مسلمان باشد و تمام مظاهر مادی دنیا وسیله‌ای برای رسیدن به این هدف است. (که در جای دیگر مصداق آن توسط نویسنده مورد تحلیل قرار گرفته است)^{۵۹} این یک شعار نیست. بنابراین نه در فلسفه و نه در اقتصاد و نه در عبادات و نه در هیچ مقوله‌ای این گفته استثنا ندارد. اگر یک اقتصاددان مسلمان نتواند در انجام این رسالت (پایین آوردن موقعیت مظاهر مادی دنیا به سطح یک وسیله نه هدف) موفق شود مطمئناً دچار خطا شده است. از زمانی که اقتصاددانان غربی، امتیازات واهی مربوط به امکان کنزکردن، تبدیل به سرمایه شدن و احتکار را

جلب نمود. برخی از اقتصاددانان به منظور حراست از حریم علمی دانش اقتصاد با سرسختی تمام از پذیرفتن آن سر باز زدند، در حالی که تعداد زیادی از اقتصاددانان کوشیدند با بیطرفی حقایق را در این زمینه استنباط کنند و مورد استفاده قرار دهند. از جهت اهمیت موضوع فقط یک نمونه از نظر موافق و مخالف ذکر می‌شود. جی. سی. هرکورت^{۶۰} (HARCOURT) در زمینه‌ی عنصر ایدئولوژیکی تئوری سرمایه می‌گوید که باید دلایل ایدئولوژیکی موضوع نیز به بحث مربوطه اضافه شود و در همین زمینه اضافه می‌کند که نه این است که ایدئولوژی در منطق یا قضایای مربوطه تأثیر می‌گذارد بلکه ایدئولوژی در موضوعات مورد بحث، چگونگی آن، مفروضات انتخاب شده، عوامل اضافه یا حذف شده به بحث، اظهارنظرها، مدلهای ... مقالات و نظرات اقتصاددان مؤثر است (قبلاً اشاره‌ای به این قسمت شده بود). در صورتی که جی. سی. بلیس^{۶۱} پس از آنکه به طور ناشیانه‌ای سعی می‌کند عدم تناقض بین التزام یک مسلمان را به مشرف شدن به خانه‌ی خدا از یک طرف و خوردن روزانه‌ی گوشت خوک ذکر کند در کمال نگرانی می‌گوید: اینکه ثابت شود بین تئوری و ایدئولوژی همبستگی وجود دارد اثبات نمی‌کند که مجادلات برسر تئوری سرمایه در مورد ایدئولوژی است؟! در حالی که به نظر نگارنده، این ارتباط علاوه بر آنکه دقیق و غیرقابل تفکیک است

۵۶. صفحات ۱۳-۱۲ کتاب جی. سی. هرکورت (۱۹۷۲).

۵۷. صفحات ۳۵۰-۳۴۸ کتاب سی. جی. بلیس (۱۹۷۵).

۵۸. صفحه‌ی ۲۲۰ جلد دوم اقتصاد ما (۱۳۵۷).

۵۹. به صفحه‌ی ۱۲۶ کتاب نویسنده سال (۱۳۶۳) مراجعه شود.

یک زالوی مکنده از بدن اقتصاد ملی نیست، بلکه سعی دارد در فراز و نشیبها به کمک مردم بشتابد. بدیهی است چون منابع مالی متعلق به این بانک از نظر مباحث نظری در کلیه امور تولیدی سرمایه گذاری می شود در یک اقتصاد سالم از سود متناسبی برخوردار خواهد شد ولی در شرایطی که قابل کنترل نبوده و یا امکان پیش بینی وجود نداشته است اگر اقتصاد جامعه در حال ورشکستگی باشد بانک نیز در کنار سپرده گذاران و سپرده گذاران در کنار واحدهای تولیدی زیان خواهند دید و اینطور نیست که ورشکستگی برخی واحدهای تولیدی در میزان دریافت طلب از واحدهای تولیدی (اصل و بهره) به علت آنکه وام از جمله دیون ممتاز است تأثیر تعیین کننده ای نداشته باشد.

تحت چنین شرایطی نقش مباحث مالی کاملاً احساس می شود. به این معنی که نظریه های پولی موجود با تمام پیچیدگیهای ناخواسته ای که در آن به وجود آمده است اهمیت والای خود را از دست داده و دیگر از وجود دو بخش از نظام اقتصادی (یکی بخش واقعی و دیگری بخش پولی) نمی توان صحبت کرد و تمام مباحث مربوط به نظریه ی رفتار تولید کننده معطوف به مسائل مالی خواهد شد.^{۶۰} در این وضعیت است که واحدهای تولیدی خواهند کوشید در میان دیگر واحدهای رقیب و به منظور جلب حمایت توسط سهامداران بالقوه موقعیت ممتازی در بازار سهامی که وجود آن

به پول داده اند، پول در برج عاج قرار گرفته است. حق این است که با استناد به مبانی حقوقی اسلام همچنانکه در داخل متن کوششی هرچند ناچیز صورت گرفته است موقعیت واقعی پول را تشخیص دهیم و از آن در حدی که برای آن وظیفه تعیین شده استفاده کنیم و این همان دو وظیفه ی اصلی وسیله ی مبادله بودن و معیار سنجش ارزش اقتصادی بودن پول است.

تحت شرایطی که در فوق به آنها اشاره شد، می توان تصور کرد که مباحث نظریه ی رفتار تولید کننده در نظام اقتصاد اسلامی با رفتار تولید کننده در نظام سرمایه داری باید تفاوت بنیادی داشته باشد. در اینجا تولید کننده برای گسترش عملیات خود به بانک اسلامی مراجعه می کند که بحث از وام ربوی نیست، بلکه صحبت از مشارکت است یعنی بانک برعکس بانکهای ربوی که تا حدود زیادی نگران سود یا زیان واحد تولیدی وام گیرنده نیستند (به علت وثیقه های سنگین و جزو دیون ممتاز بودن وام اخذ شده)، سعی دارد در عملیات واحد تولیدی مداخله کند و تا حد امکان و در چارچوب ضوابط و قوانین موجود و با رعایت مصالح عمومی (چون بانک دولتی است و علی القاعده فقط درصد به حداکثر رسانیدن سود خود نیست) می کوشد قدر مطلق سود خود را از سهم سرمایه ای که قبلاً به کار انداخته و درصد سود آن را نیز به هنگام تنظیم عقد مشارکت مشخص شده افزایش دهد. به عبارت دیگر بانک در این سیستم

۶۰. جا دارد همکاری که در برنامه ریزی دروس اقتصاد مشارکت دارند به این مسأله توجه نموده و دروس مالیه و مدیریت مالی را جزو دروس اجباری برای رشته ی اقتصاد قرار دهند.

قابل پیش بینی و مورد نیاز است به دست آورند. در این صورت معلوم نیست فرضیه‌ی مربوط به حداکثر رسانیدن سود که در نظام سرمایه داری وجود دارد تا چه حد در این نظام کاربرد داشته باشد زیرا با شروع مباحث مالیه و نسبت‌هایی که برای تشخیص وضعیت مالی واحدهای تولیدی وجود دارد ضرورتاً هدف حداکثر منافع ممکن است تعقیب نشود. آیا می توان تصور کرد که سرمایه گذاری تابع منافع واحد تولیدی باشد یا تابع نرخ بازدهی داخلی سرمایه؟ این موضوع و مطالب بسیار دیگر احتیاج به مطالعه و تحقیق دارد که هر بخش آن موضوع تحقیق مستقلی خواهد بود. امید است حال که در مراحل اولیه‌ی تدوین مباحث اقتصاد اسلامی هستیم با طرح مسائل بنیادی مانند موضوع این مقاله زمینه برای باز کردن بحث در این مقولات به صورتی فراهم شود که این مفاهیم از دید حقوقی مطرح شده و برای ما اقتصاددانان مسلمان اشتباه برخی اقتصاددانان غربی تکرار نشود.

۲-۳. نتایج نوع دوم - از زمانی که برای پول وظیفه‌ای بیش از آنچه که قرار بود انجام دهد (یعنی وسیله‌ی مبادله و واحد محاسباتی) قایل شده‌اند (یعنی ذخیره‌ی ارزش بودن) معضلات اقتصادی زیادی گریبانگیر جوامع سرمایه داری شده است. پول وکیلی است که در این نظام اختیاری بیش از موکلین خود (یعنی کالاها) پیدا کرده و تبدیل به فرانکشستی شده است که درصدد است سازنده‌ی خود (بشر) را به هلاکت برساند. این اختیارات (صرفنظر از بحث تورم) از عدم استهلاک (فیزیکی) و هزینه‌ی تولید قابل

چشم‌پوشی و چهارعامل تعیین کننده یعنی قیمت یا اجاره‌ی آن (همان بهره) - ذخیره‌ی ارزش شدن - قابلیت کنز کردن و تجویز احتکار و سفته بازی با آن نشأت گرفته است. این عوامل چهارگانه جملگی پیوند ناگسستنی با یکدیگر دارند بطوری که حذف یکی در نظام اسلامی (همان تحریم ربا) موجبات حذف عوامل دیگر را فراهم می آورد.

خلاصه‌ی آنچه را که در متن مقاله آمده است می توان به عنوان نتایج نوع دوم این مقاله به صورت زیر تنظیم نمود:

- ۱- اسکناسهای رایج در دست مردم سندهای اعتباری هستند و خرید و فروش آنها به قیمت‌های متفاوت از نظر فقهی جایز نیست.
- ۲- اسکناسهای در دست مردم دارای ارزش ذاتی نیست بلکه منعکس کننده‌ی ارزشهای ذاتی سیستم اقتصادی است.
- ۳- پول حتی اگر دارای ارزش ذاتی باشد نمی تواند ذخیره‌ی ارزش محسوب شود.
- ۴- کنز کردن پول - ربا گرفتن از آن و نیز معاملات احتکاری با آن به این معنی است که انسان پول را مطلوب بالذات خود قرار داده باشد.
- ۵- پول در نظام اسلامی انباره نیست بلکه روانه‌ای است که به علت وجود انباره‌های گوناگون (یعنی ارزشهای ذاتی) ارزش پیدا می کند.
- ۶- پول را می توان مانند امنیت یک « کالا » ی عمومی دانست.

منابع و مآخذ

- ۷- پول صرفاً دو وظیفه‌ی وسیله‌ی مبادله بودن و واحد محاسباتی را دارد.
- ۸- پول بالفعل ذخیره‌ی ارزش نیست ولی بالقوه ذخیره‌ی ارزش (وسیله‌ی ذخیره‌ی ارزش) هست.
- ۹- پول یک سرمایه‌ی بالقوه است.
- ۱۰- زمانی که پول با یکی دیگر از عوامل تولید ترکیب شود تبدیل به سرمایه‌ی بالفعل می‌شود.
- ۱۱- برای سرمایه‌ی بالفعل بازدهی وجود دارد ولی نه برای سرمایه‌ی بالقوه.
- ۱۲- پول بالقوه همه چیز هست و بالفعل هیچ چیز نیست.
- ۱۳- پول از آن جهت که پول است فقط قابلیت دارد تبدیل به کالا شود و همین جهت ملاک ارزش بالقوه‌ی پول است.
- ۱۴- «ارزش» پول در سلسله‌ی معلولهای مبادله است برخلاف ارزش کالاها که در سلسله‌ی علل مبادلات است.
- ۱۵- پول وکیلی است که نمی‌تواند بیش از موکلین خود (کالاها) اختیار داشته باشد.
- ۱۶- بهره‌ی بازدهی به سرمایه نیست بلکه به پول است زیرا بهره در بازار سفته‌بازی و احتکار پول به وجود می‌آید در حالی که سرمایه در بخش واقعی دارای بازدهی واقعی (نه واهی) است.
- ۱۷- ربا با احتکار و سفته‌بازی با آن - با کنز آن و با ذخیره‌ی ارزش بودن آن تماماً ملازمه دارد بطوری که نمی‌توان از یکی بدون صحبت از دیگری بحث به میان آورد.
- ۱- توتونچیان - ایرج: «مدلی از اقتصاد کلان اسلامی» - ارائه شده در اولین همسگالی اقتصاد اسلامی دانشگاه الزهراء (س) - بهمن ۱۳۵۸.
- ۲- توتونچیان - ایرج: «تئوری تقاضا و تحلیل اقتصادی انفاق» - مرکز اطلاعات فنی ایران - تهران، ۱۳۶۳.
- ۳- توتونچیان - ایرج: «پژوهشی پیرامون مفهوم هزینه‌ی سرمایه در اقتصاد اسلامی» - ارائه شده در سمینار اقتصاد اسلامی - دانشگاه الزهراء (س) - شهریور ۱۳۶۶.
- ۴- توتونچیان - ایرج: «مقایسه‌ای اجمالی بین هزینه سرمایه در دو سیستم ربوی و غیرربوی» - مجله تحقیقات اقتصادی شماره ۴۰ - دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران ۱۳۶۷، صفحات ۲۷ - ۱.
- ۵- جعفری لنگرودی - جعفر: «حقوق اموال» (جلد اول) چاپ مشعل آزادی تهران ۱۳۵۷.
- ۶- صدر - کاظم: «احتکار از دیدگاه فقه و اقتصاد» قم (۱۳۶۴).
- ۷- صدر - آیت الله شهید سید محمد باقر: «اقتصاد ما» - دو جلد - انتشارات برهان.
- ۸- صدر - آیت الله شهید سید محمد باقر: بانک اسلامی - انتشارات الفتح - تهران ۱۳۵۹.
- ۹- لطیف - بیژن: «تورم ناشی از عوامل پولی (خلق پول) در دو نظام ربوی و غیرربوی» -

ارائه شده در سمینار اقتصاد اسلامی، دانشگاه
الزهراء (س)، شهریور ۱۳۶۶.
۱۰- مطهری، شهید مرتضی: ربا - بانک - بیمه،
انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۴.